

شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه کلامی اهل سنت سید حسن اسلامی*

چکیده :

شبیه‌سازی انسانی یکی از چالش‌های جدید مهندسی ژنتیک است که مسائلی در حوزه دین، اخلاق، و حقوق و دیگر عرصه‌های اندیشه برانگیخته است. شبیه‌سازی (Cloning) عبارت است از تولید مثل و ایجاد موجودی مشابه نسخه اصلی به طریقه‌ای غیرجنسی. در این شیوه که به وسیله آن، یان ویلموت موفق به ایجاد گوسفندی به نام «دالی» شده است، به جای لقاح طبیعی و نفوذ اسپرم به درون غشای تخمک، هسته سلول غیر جنسی برگرفته و به جای هسته تخمک گذاشته و از طریق تحریک الکتریکی تخمک به تقسیم سلولی می‌پردازد. سپس این تخمک را در رحم می‌گذارند تا موجود زنده‌ای بدون نیاز به پدر به وجود آید. بسیاری کسان کاربست این تکنیک را درباره انسان محکوم می‌کنند و بر این باورند که این کار شان و کرامت انسانی را خدشه‌دار ساخته و او را تا سطح کالایی بی‌ارزش فرو می‌کشد. مخالفان شبیه‌سازی انسانی دلایل فراوانی به سود نظریه خود اقامه می‌کنند. مسلمانان اهل سنت نیز قاطعانه این کار را خلاف دین و حرام می‌شمارند و از دلایل متعددی استفاده می‌کنند. در این نوشته تنها دلایل کلامی برضد شبیه‌سازی انسانی گزارش و بررسی شده است. دلایل کلامی ششگانه در حرمت شبیه‌سازی انسانی عبارتند از: شبیه خلق، تحدی با خداوند، نقض سنت زوجیت، نقض سنت تنوع، تغییر خلق الله و دستکاری ژنتیکی و بازی با خلوقات. نگارنده پس از نقل و تحلیل این دلایل به این نتیجه می‌رسد که هیچ یک از این دلایل نمی‌تواند شبیه‌سازی انسانی را تحریم کند. زیرا برخی دلایل، خارج از موضوع است و در صورت قبول برخی نیز آن‌ها، شاهد تعارض در فتواهای متضاد اهل سنت در عرصه‌های مختلف مهندسی ژنتیک خواهیم بود. کلیدواژه‌ها: دین، کلام اهل سنت، مهندسی ژنتیک، شبیه‌سازی انسانی، دلایل کلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*. عضو هیأت علمی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.

پیشینه

یان ویلموت (Ian Wilmut)، محقق و جنین‌شناس اسکاتلندی، در فوریه سال ۱۹۹۷، طی مقاله‌ای در مجله بین‌المللی نیچر (Nature) از موفقیت خود در تولید مثل گوسفندی خبر داد که بعدها به عنوان نامورترین گوسفند جهان شناخته شد؛

دالی (Dolly). وی در این گزارش نوشت که وی با همکاریانش در مؤسسه تحقیقاتی روزلین (Roslin Institute) در ادینبورگ اسکاتلند، هشت ماه قبل توانستند پس از ۲۷۶ آزمایش ناموفق، نخستین پستاندار را به کمک تکنیک انتقال هسته سلول پوستی (somatic cell nuclear transfer scnt)، به وجود آورند. آنچه در این شیوه تازگی داشت، استفاده از هسته سلول غیر جنسی به جای گامت (gamete) نر یا اسپرم برای تولید مثل بود. استفاده از سلول تخصص‌یافته پستان گوسفند ماده‌ای به نام روزی (Rosy) به جای اسپرم گوسفندی نر تا آن زمان از محلات علوم زیستی به شمار می‌رفت و ویلموت این دگم علمی را در عمل شکست و خلاف آن را ثابت نمود. تا آن زمان اصل مسلم آن بود که سلول‌های جسمی یا غیر جنسی تخصص یافته هستند. به این معنا که هنگام تقسیم، تنها مشابه خود را تولید می‌کنند، یعنی سلول چشم تنها چشم و سلول کبد را تولید می‌کند. از این رو، ساختن یک موجود کامل از سلول کبدي یا پوست محال به نظر می‌رسید و این یک اصل ثابت علمی بود. البته در درون هسته هر سلولی قابلیت ساختن همه اعضا وجود دارد، لیکن پس از تخصص‌یافتگی این قابلیت از کار می‌افتد و غیر فعال می‌گردد. تا آنکه ویلموت و همکاریانش موفق شدند سلول تخصص یافته را به حالت پیش از آن برگردانند و مجدداً برنامه‌نویسی کنند (GENE EXPRESSION REPROGRAMMING OF). در این حالت بود که سلول می‌توانست موجود کاملی را پدید آورد. آنان برای این کار هسته سلول پوست گوسفندی را بیرون کشیدند و پس از مدتی گرسنگی دادن، آن را در تخمک فاقد هسته گوسفند ماده دیگری گذاشتند و به کمک تحریک الکتریکی آن تخمک را بارور ساخته به تقسیم سلولی برانگیختند و پس از شروع به تقسیم، تخمک را در رحم گوسفند دیگری گذاشتند. این تکنیک که با عنوان عامه پسند و ژورنالیستی به «شبیه‌سازی» (Cloning) شهرت یافت، تنها یک مسئله علمی و کشف پزشکی ساده‌ای نبود، بلکه نتایج اجتماعی، اخلاقی و دینی خاصی نیز می‌توانست داشته باشد. این خبر همگان را شوکه ساخت. آیا پس از دالی

۱. سلول‌ها دو نوع هستند: سلول جنسی (Genital Cell) و غیر جنسی یا پوستی (Somatic Cell). سلول جنسی دارای ترکیب کروموزومی کاملی نیست و تنها پس لقاح گامت‌ها یا سلول جنسی نر و ماده است که ترکیب کروموزومی آن کامل شده، زایگوت یا نطفه را تشکیل می‌دهد و می‌تواند به موجود کاملی تبدیل شود. معمولاً به سلول غیر جنسی، سلول جسدي، پوستی یا پیکری گفته می‌شود.

برای آشنایی با فرایند این کار و جوانب مختلف آن، علاوه بر مقالات عمومی به ویژه به مقالاتی که بر سایت رسمی مرکز تحقیقاتی روزلین موجود است و نویسندگان آنها خود از مبدعان این تکنیک به شمار می‌روند، مراجعه شود، به خصوص نک:

Cloning; Cloning and nuclear transfer-moral and ethical concerns; by Harry Grffin, Ian Wilmut & Grahame Bulfield; Cloning and nuclear transfer- on proposals to clone humans, by Harry Griffin. All available at: www.roslin.ac.uk.

نوبت به انسان خواهد رسید؟ آیا می‌توان انسان را شبیه‌سازی کرد و از پدر بی‌نیاز شد و نهاد خانواده را از هم پاشید؟ آیا اعمال چنین تجاربی بر انسان اخلاقی و مجاز است؟ با توجه به آنکه موجود شبیه‌سازی شده از نظر ژنتیکی تا ۹۹٪ مطابق موجود اصلی خواهد بود، اگر این تکنیک درباره انسان به کار بسته شود، آیا هویت و فردیت و تمایز انسان‌ها را به خطر نخواهد انداخت؟ آیا این کار ناقض کرامت انسانی نخواهد بود؟ توجه به این پرسش‌ها بود که مجمع علمی، سیاسی و دینی را به موضع‌گیری و تلاش در جهت فهم این مسئله برانگیخت. تنها یک روز پس از اعلام شبیه‌سازی دالی بود که بیل کلینتون، رئیس جمهور وقت آمریکا، طی نامه‌ای خطاب به «کمیته ملی مشورتی اخلاق زیستی» (National Bioethics Advisory Commission NBAC)، به آن نود روز فرصت داد تا گزارشی جامع درباره ابعاد گوناگون این مسئله و پیامدهای آن و توصیه‌هایی برای پیشگیری از سوء استفاده‌های محتمل فراهم کند و به رئیس جمهور تحویل دهد. (Humber and Almeder, ۱۹۹۸: ۳۸) پس از آن نیز مجلس سناي آمریکا از یان ویلموت دعوت کرد تا در کنگره حاضر شود و درباره ماهیت شبیه‌سازی توضیح و به پرسش‌های سناتورها پاسخ دهد. دکتر هیروشی ناکاجیما، مدیرکل سازمان بهداشت جهانی (WHO) نیز در مارس همان سال اعمال این تکنیک را بر انسان محکوم کرد. اتحادیه اروپا نیز موضعی مشابه گرفت. این نگرانی‌ها هنگامی جدی‌تر شد که گروه شبه‌مذهبی «رائیلیان» خبر از شبیه‌سازی نخستین نوزاد انسانی را منتشر ساختند و مدعی شدند که دختری را شبیه‌سازی کرده‌اند که نامش را ایو (Eve) یا حوا گذاشته‌اند، البته این خبر تایید نشد و آنان نتوانستند یا نخواستند دلیل قانع‌کننده‌ای بر ادعای خود ارائه کنند. اما یک مسئله جدی بود و آن هم امکان شبیه‌سازی انسانی. این کار تنها نیازمند زمان بود و می‌شد حدس زد که تا چند سال آینده این کار نیز انجام شود. این احتمال موافقان و مخالفان شبیه‌سازی انسانی را به دو اردوگاه متمایز تقسیم کرد. گروهی از آن استقبال کردند و دلائلی به سود اعمال آن ارائه کردند و مجدانه به دفاع از آن برخاستند. از صاحب‌نظران این اردوگاه می‌توان گرگوری‌ای. پنس را نام برد. وی در کتاب «چه کسی از شبیه‌سازی انسانی می‌هراسد؟»^۱ ادله مخالفان شبیه‌سازی انسانی را قاطعانه رد کرد و دلائلی به سود این کار به دست داد.

اما مخالفان نیز طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دانند، از اعضای کمیته مشورتی ملی اخلاق زیستی تا برخی از متخصصان مهندسی ژنتیک مانند لئون کاس کلیسای کاتولیک شبیه‌سازی انسانی را به شدت تقبیح کرد و طی بیانیه‌ای این کار را ناقض کرامت انسانی دانست.

^۱. Who's afraid of Human Cloning, by: Gregory E. Pence, ۱۹۹۸, Rowman & Littlefield.

^۲. افزون بر کتاب فوق برای آشنایی با دلایل وی، نک: In Support of the Argument for Human Cloning, by John Greeney, available at: humancloning.org.
^۱. برای آشنایی با موضع آیین کاتولیک در این مسئله، افزون بر مقالات متعددی که از سوی صاحب‌نظران مسیحی نوشته شده است، دیدن تأملات درباره شبیه‌سازی انسانی که از سوی آکادمی زندگی و اتیکان منتشر شده، خواندنی است، در این باره، نک:

پاپ فقیده، ژان پل دوم، نیز خطاب به کنفرانس بین‌المللی انتقال اعضا، به پیامدهای این کار یعنی ابزاری شدن انسان اشاره کرد و آن را غیر اخلاقی خواند.

شبیه‌سازی انسانی و اهل سنت

عالمان مسلمان، به ویژه اهل سنت نیز از این مسئله بر کنار نبودند. اعلام ماجرای شبیه‌سازی دالی، بازتاب گسترده‌ای در میان عالمان اهل سنت داشت و هریک به نوعی تعلق خاطر یا نگرانی خود را در قبال این ماجرا نشان دادند. عکس‌العمل‌ها، عمدتاً تند و گاه بسیار خشن بود، تا جایی که برخی عالمان اهل سنت شبیه‌سازی انسانی را در حکم محاربه دانستند و خواستار اجرای حد محارب بر کسانی شدند که دست به آزمایش‌هایی از این دست می‌زنند. محمد بن صالح العثیمین، از مفتیان و عضو «هیئة كبار العلماء» در ریاض و رئیس دیارتمان عقاید دانشگاه محمد بن سعود، خواستار اعدام مجریان شبیه‌سازی انسانی به عنوان محارب شد و کمترین کیفر آنان را بریدن دست و پای آنان به شکل ضربدری دانست (عوده الله، ۲۰۰۳: ۱۶۶) در نهایت «مجمع الفقه الاسلامی»، وابسته به سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، یکی از نشست‌های خود را به شبیه‌سازی اختصاص داد و طی بیانییه‌ای موضع رسمی اعضا را در قبال شبیه‌سازی و گونه‌های مختلف آن اعلام داشت.

انواع و احکام شبیه‌سازی از نظر اهل سنت

ساختار کلی بحث درباره شبیه‌سازی در منابع اهل سنت به این صورت است که نخست بر همسویی دین با علم تأکید می‌شود.^۲ آنگاه گزارشی از تاریخچه شبیه‌سازی و مراحل آن و فرایند این تکنیک به دست داده، فواید و زیان‌های این کار بیان می‌شود. پس از طرح این مقدمات، انواع شبیه‌سازی به تفکیک بیان و حکم هر یک ابراز و دلایل این حکم گفته می‌شود. شبیه‌سازی یا در مورد گیاهان اعمال می‌شود یا در عالم حیوانات و یا در مورد انسان به کار بسته می‌شود. در نتیجه از نظر کاربست با سه نوع شبیه‌سازی مواجه هستیم: شبیه‌سازی نباتی یا گیاهی، شبیه‌سازی حیوانی و شبیه‌سازی انسانی. از نظر تکنیکی نیز سه نوع شبیه‌سازی داریم. گاه می‌کوشیم که از طریق گرفتن یک سلول، مثلاً سلول کلیه، کلیه‌ای همانند آن و با تمام مشخصات کلیه اصلی بسازیم که به آن «شبیه‌سازی عضوی» گفته می‌شود. گاه

۲. Reflections on Cloning, Pontificia Academia pro Vita, by Juan de Dios Vial Correa, available at: www.vatican.va.
این بیانییه در شبکه اطلاعات کاتولیک ("CIN") موجود است، نک:

Adress to the International Congress on Transplants, PoPope John Poul II August ۲۹, ۲۰۰۰, available at: www.Cin.org.
برای نمونه ای از این نگرش نک: الاستنساخ حقیقتیه - انواعه - حکم کل نوع فی الفقه الاسلامی، حسن علی شاذلی، در رؤیه اسلامییه، ص ۲۶۸-۲۷۶؛ الاستنساخ فی میزان الاسلام، ریاض احمد عوده الله، ص ۹-۱۷؛ الهندسه الوراثیه بین تعطیات العلم و ضوابط الشرع، ایاد احمد ابراهیم، عمان، دار الفتح لدراسات و النشر، ۲۰۰۳، فصل اول؛ بیانییه پایانی و توصیه‌های سازمان اسلامی علوم پزشکی در رؤیه اسلامییه، ص ۵۱ و مقدمه بیانییه نهایی مجمع فقه اسلامی درباره شبیه‌سازی انسانی (مجله مجمع فقه اسلامی، ص ۴۱۸) که مؤکداً بیان می‌دارد: اسلام سنگی بر راه پژوهش و آزادی علمی نمی‌گذارد.

نیز می‌کوشیم تا نطفه منعقد شده یا زایگوتی را با حل کردن غشای آن که زونا پلاسیدا (zona pellucida) نامیده می‌شود، به دو زایگوت مستقل تبدیل کنیم که به این کار شبیه‌سازی جنینی (embryo cloning) گفته می‌شود. گاه نیز بدون استفاده از زایگوت و تنها از طریق یک تخمک بارور نشده و بیرون کشیدن هسته آن و گذاشتن هسته سلولی غیر جنسی، آن را بارور می‌کنیم که به آن شبیه‌سازی انسانی یا جسدی گفته می‌شود.

الف. شبیه‌سازی نباتی و حیوانی

علمان اهل سنت هنگام بحث از شبیه‌سازی، با طرح شقوق و گونه‌های مختلف آن، کاربست تکنیک‌های سه‌گانه شبیه‌سازی را در عرصه گیاهان و حیوانات مجاز می‌دانند. از این منظر کوشش برای شبیه‌سازی گیاهان یا حیوانات با هر تکنیکی که باشد، مجاز است. عصاره دیدگاه اهل سنت در بیانیته نهایی دهمین نشست مجمع الفقه الاسلامی (جده، ۲۳ - ۲۸ صفر ۱۴۱۸ ژوئیه ۱۹۹۷) آمده است. بند چهار این بیانیته چنین مقرر می‌دارد:

استفاده از تکنیک‌های شبیه‌سازی و مهندسی ژنتیک در عرصه میکروبوها و دیگر جانوران ذره بینی و گیاهان و حیوانات در حدود ضوابط شرعی به گونه‌ای که مصالح را تأمین و مفاسد را دور کند، مجاز است. (مجموع الفقه الاسلامی، ۱۹۹۷، ج ۳: ۴۲۲)

این حکم یا فتوا مورد اجماع اهل سنت است و کسی با اصل آن مخالفت نکرده است. مبنای این حکم آن است که همه نصوص دینی شبیه‌سازی گیاهان و حیوانات را مجاز می‌شمارد، زیرا این کار تسخیر کائنات است و به سود انسان به شمار می‌رود. (مصباح، ۲۰۰۲: ۵۴)

ب. شبیه‌سازی انسانی

بر خلاف نظر مساعد نسبت به شبیه‌سازی گیاهی یا حیوانی، عالمان اهل سنت، به اتفاق آرا و بی‌هیچ قید و شرطی شبیه‌سازی انسانی را حتی در دایره زوجیت محکوم می‌کنند و آن را عملی نادرست، نامشروع، خلاف اسلام، و غیر اخلاقی می‌دانند. این تحریم از طریق صدور بیانیته، فتوا و قطعنامه صورت گرفته است. سازمان‌ها و نهادهای اسلامی و افراد جداگانه بر این تحریم تأکیدهای مکرر داشته‌اند. مجمع البحوث الاسلامیه، وابسته به دانشگاه الازهر، که مهم‌ترین مؤسسه دینی اهل سنت به شمار می‌رود، طی بیانیته‌ای فتوا به حرمت این کار داد و از دولت‌های جهان خواست تا مانع هرگونه شبیه‌سازی انسانی شوند. شورای اروپایی افتاء و تحقیقات نیز این کار را حرام شمرده است. دبیرخانه «رابطه العالم الاسلامی» مستقر در مکه نیز این کار را حرام دانست و خواستار وضع قانونی جهانی بر ضد این کار شد. (الترکی، ۲۰۰۳) سمینار منعقد شده در مغرب در سال ۹۷

۱. الاستنساخ بالانشطار" یا "بالتشطير".

۲. الاستنساخ الجسدي، یا الاستنساخ الجيني.

۳. خیر این تحریم در این پایگاه‌ها موجود است: پایگاه عربی نداء الایمان

یا آدرس: al-eman.com به تاریخ ۲۹/۱۲/۲۰۰۲ و پایگاه عربی الخلیج با

آدرس gulfpark.com به تاریخ ۱۱/۱۰/۲۰۰۲.

۴. المجلس الاروبي للاففتاء و البحوث.

۵. متن پرسش و پاسخی که در این باره صورت گرفته است، در سایت شورا

وجود دارد. نک: ecfr.org به تاریخ ۲۲/۱۰/۲۰۰۴.

نیز با توصیه‌هایی به کار خود پایان داد. یکی از توصیه‌های این سمینار: «منع شبیه‌سازی انسانی، از طریق انتقال هسته سلول جسدی به تخمک خالی شده از هسته» بود. (العوضی، ۱۹۹۹: ۵۱۲)

بیانیه نهایی مجمع فقه اسلامی، این اجماع و اتفاق نظر را به خوبی منعکس می‌کند. این بیانیه پس از مقدمه‌ای درباره جایگاه انسان در هستی و موافقت اسلام با طلب علم و دانشجویی و با توجه به مسائل و بحث‌های مطرح شده در شورای مجمع، چنین مقرر می‌دارد: «تحریم شبیه‌سازی انسانی، به کمک دو شیوه یاد شده یا با هر شیوه دیگری که به افزایش انسانی بیانجامد.» (مجله مجمع الفقه الاسلامی: ۴۲۱) مقصود از دو شیوه یاد شده، یکی شبیه‌سازی جنینی با استفاده از زایگوت یا تخمک بارور شده و سپس تقسیم آن است و دیگری شبیه‌سازی جسدی یا غیر جنسی است. وزیران بهداشت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، مخالفت کامل خود را با شبیه‌سازی انسانی اعلام کردند و آن را بزرگترین جنایتی که با اخلاقیات پزشکی ناسازگار است، معرفی نمودند. (شرکت رسانه، ۲۰۰۰) مجمع البحوث الاسلامیه وابسته به الازهر، نه تنها شبیه‌سازی انسانی را مطلقاً تحریم کرد، بلکه حتی توصیه کرد که حد محارب بر کسانی که به این تکنیک دست می‌زنند، اجرا شود. این مجمع همچنین در ۲۸/۱۲/۲۰۰۲، طی بیانیه‌ای بر موضع پیشین خود تأکید کرد و اعلام داشت که شبیه‌سازی، انسانی را که خدایش کرامت بخشیده است، به عرصه آزمایش و بازی و ایجاد اشکال مسخ‌شده و دفورمه تبدیل می‌کند. از این‌رو، واجب است با همه قوا در برابر آن ایستاد. (العالم الاسلامی، ۱۷۷۷، ۱۴۲۳)

عالمان اهل سنت نیز طی فتواها یا بحث‌های مستقل به شبیه‌سازی انسانی پرداختند و بر حرمت آن تأکید کردند. دکتر محمد سید طنطاوی، شیخ الازهر، گفت که اسلام ضد علم نیست، لیکن شبیه‌سازی انسانی حرام است. (مصباح، ۲۰۰۲: ۴۹) عبدالعزیز بن باز، مفتی بزرگ عربستان نیز شبیه‌سازی را بی‌اساس و باطل و حرام خواند. (عوده الله، ۲۰۰۳: ۱۶۴) دکتر یوسف قرضاوی نیز بر حرمت این عمل بارها تأکید و آن را عملی شیطانی معرفی کرد. وی درباره فتوای خود گفت: «منطق شریعت اسلامی بر اساس نصوص مطلق، قواعد کلی و مقاصد عامه‌اش ورود شبیه‌سازی در عالم انسانی را به دلیل مفاسد فراوانی که دارد، منع می‌کند.» (همیش، ۲۰۰۴: ۲۲۲) دکتر فرید نصر واصل، مفتی مصر و عضو دارالافتاء تابع وزارت دادگستری، در سمینارهای متعددی اعلام کرد که شبیه‌سازی عملی شیطانی و از نظر اسلام ممنوع است. به تعبیر او شبیه‌سازی یکی از شطحیات علمی طرد شده است و راه را بر جرائمی چون جعل و انتحال شخصیت دیگران می‌گشاید و این کار کفر صریح است.^۱ دکتر محمد

۱. برای مثال نک: الاستنساخ و الاجاب، ص ۱۵۳؛ الاستنساخ البشري بدعه العصر، ص ۱۳۶؛ الاستنساخ في میزان الاسلام، ۱۱۴؛ السفر، ۱۷/۳/۱۹۹۷؛ الشراخ، ۳۱/۳/۱۹۹۷؛ نگاهی به جدالهای طرح شده بین علمای دین در خصوص آخرین دستاورد علم ژنتیک: استنساخ، تهیه شده در رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بیروت، ۲۳/۱۲/۱۳۷۱، ص ۹؛ نشریه الکترونیکی الخلیج: alkaleej.ae و این مقاله مفصل نصر فرید که در سمینار مغرب ارائه شده است: الاستنساخ البشري و احکامه الطبیه و العلمیه فی الشریعه الاسلامیه، نصر فرید محمد واصل، در رؤیه اسلامی، ص ۴۱۳-۴۱۵.

سليمان الاشقر، فقيه اردني، اين كار را مطلقاً حرام دانست. (الاشقر، ۲۰۰۱: ۳۸) شيخ مختار السلامي، مفتي جمهوري تونس، طی مقاله بلندي نظر خود را به تفصيل درباره انواع شبیه‌سازي بيان داشت و دلائل فراواني بر ضد شبیه‌سازي انساني اقامه نمود. (العوضي، ۱۹۹۹: ۳۸۵ - ۴۱۰) دکتر عبد المعطي بيومي، استاد عقايد دانشکده اصول دين دانشگاه الازهر نيز شبیه‌سازي انساني را حرام دانست. (نادر، ۲۰۰۱: ۱۴) بدین ترتيب، از نظر اهل سنت شبیه‌سازي انساني مطلقاً و در هر صورتي که باشد، حرام است.

ج. دلائل حرمت شبیه‌سازي انساني

فقيهان صاحب‌نظران اهل سنت دلائل مختلفی براي حرمت شبیه‌سازي انساني اقامه کرده‌اند. اين دلائل گاه سربسته و گاه مفصل است، گاه کلامي است و گاه فقهی. دلائل عمده مخالفت با شبیه‌سازي انساني در پنج دسته کلي قابل طبقه‌بندي است:

۱. دلائل کلامي - اعتقادي
۲. دلائل فقهی - حقوقي
۳. دلائل اخلاقي
۴. دلائل اجتماعي - روان‌شناختي
۵. دلائل علمي

در اين نوشته تنها به گزارش و بررسی دلائل کلامي و اعتقادي پرداخته می‌شود. مقصود از دلائل کلامي و اعتقادي، دلايلي است که به نوي ناظر به يکي از اصول دين اسلام است. از اين منظر فرض می‌شود که شبیه‌سازي انساني مخاطراتي براي يک يا چند اصل ديني، مانند، خالقیت، اقتدار، مشیت و قدرت خدا و برخی معجزات دارد و به همین سبب نيز لازم است که با آن مخالفت شود. از نظر بسياري از مخالفان شبیه‌سازي انساني، اين کار حداقل با يکي از آموزه‌هاي اصلي دين ناسازگار است و يکي از باورها و معتقدات اساسي مسلمانان را به مخاطره می‌اندازد يا آن را نقض می‌کند، در نتیجه اعمال اين تکنیک در عرصه انساني، به لحاظ اعتقادي با ايمان و عقايد اسلامي منافات دارد. اين دلائل خود طيف گسترده‌اي را تشکيل می‌دهند و مخالفان به شکل‌هاي گوناگوني ادله خود را تقرير می‌کنند، که با کاوش در متون مختلف اهل سنت می‌توان مهم‌ترين دلائل کلامي بر ضد شبیه‌سازي انساني را شبهه خلق، مسئله اعجاز، مسئله تحدي با خالق، نقض سنت زوجیت، نقض سنت تنوع و به مخاطره انداختن باورهاي ديني مسلمانان دانست. حال به تقرير اين دلائل بپردازيم:

یک. شبهه خلق و اعجاز: همه عالمان اهل سنت قبول دارند که شبیه‌سازي انساني خلق نیست، اما بر اين باورند که عامه مردم ممکن است متوجه اين مسئله نشده باشند و اين تکنیک را نوعي خلق تصور کنند. از اين رو تقريباً همه کسانی که به اين مسئله پرداخته‌اند، به نوعي کوشيده‌اند که توضیحي، گرچه مختصر، درباره نسبت اين تکنیک با خلق بدهند. با اين حال، تصريحاً يا تلویحاً شبهه خلق را که ناشی از کاربرد اين تکنیک است، مضر به عقايد عمومي مسلمانان دانسته، يکي از دلائل حرمت يا منع آن را همین مسئله قرار داده‌اند. از

این‌رو، غالباً هنگام توضیح مکانیزم شبیه‌سازی انسانی تأکید می‌کنند که این کار خلق نیست. برخی نیز در اینجا به تفصیل وارد بحث شده، درباره معانی چندگانه خلق توضیحات واژگانی می‌دهند. (الاشقره، ۱۸: ۲۰۰۱ و عوده الله: ۲۰۰، ۱۴۵) حتی در بیانیه نهایی مجمع الفقه الاسلامی، با آنکه به دلایل حرمت شبیه‌سازی انسانی تصریح و مستندات فقهی این حکم بیان نشده، به این مسئله توجه شده است. در این بیانیه قبل از بیان حکم شبیه‌سازی، این تکنیک معرفی و بی‌درنگ این نکته افزوده شده است که: «مخفی نماند که این عملیات و مانند آن، خلق یا جزیی از خلق به شمار نمی‌رود. خداوند عزوجل می‌فرماید: «ام جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه الخلق عليهم. قل الله خالق كل شيء و هو الواحد القهار». (رعد، ۱۶)» (مجله مجمع الفقه: ۳۶۹) سپس چهارده آیه دیگر با همین مضمون بی‌هیچ توضیحی نقل می‌شود و بعد به بیان حکم شبیه‌سازی انسانی می‌پردازد.

با این حال، وجود همین شبهه موجب شده است تا کسانی آن را مستندی برای تحریم شبیه‌سازی انسانی قرار دهند. نورالدین مختار الخادمی دلایل متعددی بر ضد شبیه‌سازی انسانی مطرح می‌کند که اولین دلیل همین مسئله است؛ از نظر او شبیه‌سازی انسانی منافی جوهر عقاید اسلامی است. زیرا بر اثر جهل برخی مردم، شبیه‌سازی این پندار را به وجود می‌آورد که گویی کسانی می‌توانند در برابر خدا دست به آفرینش بزنند و این پندار باطل موجب سستی عقاید مسلمین ساده‌دل می‌شود. (الترکی، ۲۰۰۳) نصر فرید واصل، مفتی مصر، نیز در سمیناری که به همین مناسبت در مصر برگزار شد، شبیه‌سازی انسانی را حرام دانست و آن را از الهامات شیطان جهت تغییر خلق دانست و گفت که این‌گونه عملیات، ما را در دین خود به تشکیک وامی‌دارد. (الاستنساخ الجینی، ۱۹۹۷: ۶۳)

این برداشت در حد فردی باقی نمی‌ماند و حتی برخی از نهادها و مؤسسات دینی اهل سنت این مسئله را مستندی برای تحریم شبیه‌سازی انسانی قرار داده‌اند. مدیر کل «رابطه العالم الاسلامی» در نامه خود به این مسئله اشاره می‌کند که خبرهای مربوط به شبیه‌سازی انسانی را دنبال کرده و تلاش در جهت تولید نسخه‌هایی منطبق بر اصل را که با فطرت بشری سازگار نیست و «به تشکیک در اصل دینی درباره خلق انسان» می‌انجامد پی می‌گیرد. (الترکی) دولت مالزی نیز با مجاز شمردن شبیه‌سازی حیوانات، شبیه‌سازی انسانی را ممنوع ساخت، به این دلیل که با اصل خلقت بشر به دست خدا سازگار نیست. (الاستنساخ الجینی، بی‌تا: ۳۱)

بدین ترتیب، یکی از دلایل تحریم شبیه‌سازی انسانی از نظر برخی از اهل سنت، شبهه افکنی در باب اصل خلقت است و اینکه می‌توان در روی زمین خدایی کرد.

دو. تئدی با خالق و دخالت در کار او: از نظر برخی عالمان اهل سنت، شبیه‌سازی انسانی، نوعی تئدی با خالق، دخالت در کار او و خدایی‌کردن است. بشری که باید مطیع قوانین هستی باشد و خود را فرمان‌بردار خداوند بداند، با این کار پای از گلیم خود بیرون

کشیده و دست به تحدي و مبارزه طلبی با خدا زده و قوانین او را به چالش فراخوانده است. سنت خدایی در خلق بر اساس توالد و تولید جنسی بوده است، اما بشر با طرح ایده شبیه‌سازی، عملاً در کار خدا دخالت کرده و گویی خواسته است تا او را از کارش معزول کند، یا هم‌وردی بطلبد. عبدالهادی مصباح این مسئله را این‌گونه نشان می‌دهد:

خدا می‌گوید: «انا خلقناکم من ذکر و انثی»، پس چرا می‌خواهیم میزان حق را دگرگون کنیم و بکوشیم نقش خدا را بازی نماییم؟ این کار برای بشریت چه سودی دارد، جز شهرت و مجد علمی. (مصباح: ۳۶ و ۴۷)

این دلیل با تقریرهای گوناگونی به وسیله مخالفان شبیه‌سازی انسانی در میان اهل سنت پیش کشیده می‌شود. (همان: ۴۱) رابطه العالم الاسلامی نیز در نامه خود پس از اقامه دلایلی متعدد بر ضد شبیه‌سازی انسانی، آن را «اعلام خصومت با خدا» معرفی نمود. بدین ترتیب، دومین دلیل عالمان اهل سنت بر ضد شبیه‌سازی انسانی که به گونه‌های مختلفی تقریر می‌شود، آن است که این کار دخالت در کار خدا، خدایی‌کردن بشر، یا نقش خدا را ایفا نمودن^۱ و مخالفت با اراده او به شمار می‌رود. سه. **تغییر خلق الله:** خلاصه این دلیل آن است که شبیه‌سازی انسانی تغییر خلق است و این کار حرام و نامشروع می‌باشد، چرا که عملی شیطانی است. وهبه‌الزحیلی، مدیر گروه فقه و مذاهب فقهی دانشکده شریعت دانشگاه دمشق، که شبیه‌سازی حیوانی را می‌پذیرد، مخالف شبیه‌سازی انسانی است و بر آن است که این کار: «شرعاً جایز نیست، زیرا تغییر خلق الله به شمار می‌رود، حال آنکه خداوند انسان را در بهترین تقویم آفریده است.» (رزق، ۱۹۹۷: ۱۳۶) صبری دمرداش نیز مدعی است که این کار: «تغییر خلق الله است از طریق انتخاب صفات معین و نابودی صفات دیگر و این کار حرام است.» (الدمرداش، ۱۹۹۷: ۹۲) نصر فرید واصل، مفتی مصر، نیز شبیه‌سازی انسانی را کفر صریح و تلاش برای تغییر خلق الله می‌داند. (عوده الله، ۲۰۰۳: ۱۶۱) قرضاوی نیز این کار را تلاش برای تغییر خلق الله و عملی شیطانی معرفی می‌کند. (القرضاوی، ۲۰۰۳) در جلسات مجمع الفقه الاسلامی و سمینار مغرب یکی از اساسی‌ترین دلایل حرمت شبیه‌سازی انسانی، همین مسئله تغییر خلق الله قلمداد می‌شد و کسان متعددی به این نحو استدلال کردند. (مجله مجمع الفقه: ۳۶۷ و ۳۹۱) البته محمد سلیمان الاشقر، در نحوه استدلال به این سبک مناقشه کرده است. (العوضی، ۱۹۹۹: ۳۳۲)

دلیل تغییر خلق الله مبتنی بر یک آیه و روایتی منسوب به رسول خداوند است. در قرآن کریم، هنگام سخن از مشرکان، خداوند از شیطان نام می‌برد که مدعی شد، مردم را گمراه خواهد ساخت و به آنان فرمان خواهد داد تا خلق خدا را دگرگون کنند. نص این آیات چنین

^۱. Playing God.

^۲. اللعب دور الاله.

است: «ان يدعون من دونه الأناثا و ان يدعون الأ شيطانا مريداً. لعنه الله و قال لاتخذن من عبادك نصيبا مفروضا و لاضلنهم ولأمننهم ولأمرنهم فليبتكن أذان الأتعام و لأمرنهم فليغرن خلق الله و من يتخذ الشيطان وليا من دون الله فقد خسر خسرانا مبيناً.» (سوره نساء، آيات ۱۱۷ - ۱۱۹)

ترجمه آيات چنين است. «به جاي خداوند جز مادگاني را نميپرستند، و جز شيطان سرکش را پرستش نميکنند. که خداوند او را گرفتار لعنت کرد و او گفت از بندگان تو سهم معيني را بر ميگيرم. و (آنگاه) آنان را به گمراهي ميگشانم و به (دام) آرزوهاي دور و دراز مياندازم و ميفرمايشان تا گوشهاي چارپايان ببرند و ميفرمايشان تا آفرينش الهي را دگرگون کنند، و هر کس که شيطان را به جاي خداوند دوست گيرد، آشکارا زيانکار شده است.»

نقطه ثقل استدلال، قسمت «لأمرنهم فليغرن خلق الله»، است. بر اساس اين آيه، تغيير خلق الله خواسته شيطان است و اقدام به آن نشانه پيرويي از او به شمار مي رود. در اين آيه آمده است که شيطان خواستار تغيير خلق الله شده است، اما حرمت آن از کجا به دست مي آيد؟ پاسخ آن است که در آيه ديگري تغيير خلق ممنوع اعلام شده است: «لا تبديل خلق الله.» (سوره روم، آيه ۳۰) بدین ترتيب از جمع اين دو آيه حرمت تغيير خلق الله را درمي يابيم.

افزون بر اين آيه، حديثي از رسول خدا نقل شده است، که به روشني بر حرمت تغيير خلق الله دلالت دارد. علقمه از عبد الله بن مسعود نقل مي کند که: «لعن عبدالله الواشيات و المتنمصات و المتفلجات للحسن المغيرات خلق الله. فقالت ام يعقوب: "ما هذا؟" قال عبد الله: و ما لي لا العن من لعنه رسول الله و هو في كتاب الله؟» (بخاري، ۱۹۹۰، ج ۱۰: ۲۷۷)

مضمون اين حديث آن است که عبد الله بن مسعود، زباني را که خالكوبي مي کند و صورت خود را بند مي اندازد و ميان دندانهاي خود فاصله مي افکنند، لعنت کرد و چون ام يعقوب به او اعتراض کرد که چرا آنان را لعنت مي کند، وي عمل خود را مستند به رسول خدا کرد و گفت که حضرت نيز چنين کرده است.

اين دو نص، به خوبي بيانگر حرمت تغيير خلق الله است، شبيه سازي انساني نيز نوعي تغيير خلق است، پس حرام است. رابطه العالم الاسلامي چهارمين دليل بر ضد شبيه سازي انساني را همين تغيير خلق الله دانسته اينگونه استدلال مي کند: «عمليات شبيه سازي بر اساس بازي کردن

۳. قرآن ترجمه بهاء الدين خرمشاهي، بخش عمده همين آيات با ترجمه تقريبا تفسيري آقاي عبد الحميد ايتي اين گونه است: «مي خوانند سواي الله مگر الاله هايي و نمي خوانند مگر شيطاني سرکش را. خدايش لعنت کرد و شيطان گفت گروهی از بندگان را به فرمان خویش ميگيرم. هر آينه ايشان را (از راه عبادت و بندگيت) گمراه ميکنم و آنان را (با آرزوهاي دراز و بيهوده) اميدوار مي سازم و فرمانشان مي دهم که گوشهاي چهارپايان (شتر، گاو و گوسفند) را قطع کرده و جدا سازند (و آن را يک نوع پرستشي براي بتهاي خود قرار دهند. گفته اند: هرگاه شترى براي يکي از ايشان پنج بچه مي زاييد و بچه پنجم آن نر بود، گوشش مي بريد و انتفاع و سود بردن از آن را بر خود حرام و ناروا مي دانست) و هم فرمانشان مي دهم که خلقت و آفريده خدا (دين و امر و نهي او) را تغيير داده، دگرگون نمايند.

براي ديدن توضيح بيشتر درباره اين نحو استدلال و نقد آن نک: **الاشقر: ۲۳.**

با ژن‌های وراثتی انسان جهت دستیابی به موجود شبیه‌سازی شده مشابهی است و این مشمول منع است و تغییر خلق الله و این از عمل شیطان است، «لامرئهم فلیغیرن خلق الله». (الترکی، ۲۰۰۳)

در نتیجه، سومین دلیل کلامی بر حرمت شبیه‌سازی انسانی، آن است که این کار تغییر خلق الله است و طبق نصوص دینی این کار حرام به شمار می‌رود.

چهار. نقض سنت زوجیت: طبق این دلیل، نظام هستی بر زوجیت استوار است. کافی است نگاهی به اطراف خود بیافکنیم، تا همه جا شاهد این قانون و سنت باشیم. نه تنها در عالم انسانی و در میان حیوانات، بلکه در عالم گیاهان نیز نر و ماده وجود دارد. به گفته قرضای، خداوند مردم را به صورت زوج یعنی مذکر و مؤنث آفریده است، حیوانات، پرندگان، خزندگان، حشرات و حتی همه گیاهان تابع این نظام جفتی هستند. (القرضای، ۲۰۰۳) منطق زوجیت اختصاص به جانداران ندارد و باز به گفته قرضای، دانش جدید این نکته را کشف کرده است که نظام جفتی حتی در عالم جمادات حاکم است؛ این وضع را در برق می‌بینیم که جریان مثبت و منفی دارد. حتی اتم، که واحد اساسی عالم ماده است، دارای الکترون و پروتون است. (پیشین) قرآن کریم نیز به این پدیده مکرر اشاره می‌کند، از جمله می‌فرماید: «و خلقناکم ازواجاً (سوره نبا، آیه ۸)، «و انه خلق الزوجین الذکر و الانثی من نطفه اذا تمی» (سوره نجم، آیه ۴۶) و «و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذكرون» (سوره ذاریات، آیه ۴۹). این آیات به خوبی نشان می‌دهد که نظام هستی در همه ساحات خود مبتنی بر زوجیت است. حاصل آنکه نظام هستی، نظامی است مبتنی بر زوجیت، البته این زوجیت به معنای رابطه قراردادی ازدواج نیست، بلکه سخن از سنتی تکوینی و همیشگی و لایتغیر است. به این معنا عقد قراردادی ازدواج، یکی از جلوه‌های این قانون در عالم تشریح است. اما شبیه‌سازی انسانی این سنت را مخدوش و نابود می‌کند. به نظر ریاض احمد اعمال این تکنیک به الغای سنت زوجیت که خداوند آن را آفریده است، می‌انجامد. (عوده الله، ۲۰۰۳: ۱۳۰) کارم السید غنیم نیز بر این باور است که شبیه‌سازی انسانی، قانون تکاثر طبیعی و فرع اساسی آن یعنی قانون زوجیت را نابود می‌کند. (غنیم، ۱۹۹۸: ۱۴۰) رابطه العالم الاسلامی نیز نخستین دلیل حرمت شبیه‌سازی انسانی را مغایرت این تکنیک با سنت آفرینش از طریق قانون زوجیت می‌داند و آن را تجاوز به سنت خداوند در خلق انسان از طریق ازدواج میان زن و مرد دانسته و آیه ۱۳ سوره حجرات را به سود نظر خویش نقل می‌کند. (الترکی)

بدین ترتیب، چهارمین دلیل حرمت شبیه‌سازی انسانی آن است که این کار ناقض سنت تکوینی و دائمی خداوند، یعنی سنت و قانون زوجیت است که در همه عرصه‌های عالم انسانی وجود دارد.

پنج. نقض سنت تنوع: تقریر این دلیل بر حرمت شبیه‌سازی انسانی دارای ساختار و روندی از این دست است. هستی، سرشار از تنوع و گونه‌گونی است. این تنوع تا حدی است که به سختی می‌توان دو موجود کاملاً همانند را نشان داد. حتی هم شکمان یکسان یا دوقلوهای یک‌تخمکی (Identical Twins) که از یک زایگوت شکل گرفته‌اند و در عالم طبیعت از همه موجودات به هم شبیه‌ترند، باز عین همدیگر نیستند و در مواردی از نظر زیستی با هم متفاوتند. از این‌رو، می‌توان از قانونی به نام تنوع

حیاتی (biological diversity) سخن گفت. آیات متعددی از قرآن کریم، این تنوع را در شکل‌های گوناگون خود به ما نشان می‌دهد و نظر ما را متوجه آن می‌سازد. قرآن کریم از اختلاف رنگ‌های مردمان، تنوع زبانی آنان، تنوع حیوانات و میوه‌ها به عنوان یک قانون نام می‌برد! افزون بر آن، خداوند متعال، این تنوع را آیت خود می‌شمارد و می‌فرماید: «و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف السننکم و الوانکم. ان فی ذلک آیات للعالمین.» (روم، آیه ۲۲)

اما شبیه‌سازی انسانی این سنت و قانون بیولوژیکی را از میان می‌برد. به گفته غنیم، شبیه‌سازی انسانی به الغای سنت ضروری تنوع حیاتی می‌انجامد. (غنیم: ۱۳۶) ریاض احمد نیز بر این باور است که این کار سنت تنوع زیستی را ملغی می‌سازد و آن را خلاف فرموده خداوند می‌شمارد که فرمود: «و لو شاء ربک لجعل الناس امه واحده ولا یزالون مختلفین» (سوره هود، آیه ۱۱۸). (عوده الله: ۲۰۰۳، ۱۳۲) از این منظر، شبیه‌سازی خاصیت تنوع بشری را از میان می‌برد. (مختار الخادمی، ۱۴۲۵: ۸۶) بسیاری از مخالفان شبیه‌سازی انسانی، به همین دلیل در موارد مختلف و به شکل‌های گوناگون استناد کرده و به همین سبب نیز آن را حرام شمرده‌اند. اما جای این پرسش است که این عمل چگونه قانون تنوع زیستی را از میان می‌برد؟ قرض‌اوی خود به این پرسش با آوردن مثالی این‌گونه پاسخ می‌دهد: «شبیه‌سازی ناقض تنوع است، زیرا مبتنی بر تولید نسخه‌ای مکرر از یک شخص است و این کار مفسد فراوانی در زندگی بشری و اجتماعی به دنبال دارد که برخی را درک می‌کنیم و برخی را بعدها درک خواهیم کرد. کلاسی از دانش آموزان شبیه‌سازی شده را تصور کنید، حال معلم چگونه آنان را از یک‌دیگر تشخیص دهد؟ چگونه زید را از عمرو و بکر تمیز دهد؟ چگونه بازپرس، مجرم را از بی‌گناه تشخیص دهد، در صورتی که چهره‌ها یکسان، قد و قامت یکسان و آثار انگشت آنان یکسان است؟ از آن بالاتر، چگونه شوهر، زن خود را از زن دیگری تشخیص دهد، در حالی که آن یک نسخه مطابق این یکی است؟ و چگونه زن شوهر خود را از دیگری تشخیص دهد، در حالی که آن دیگری نسخه‌ای از همین یک است؟ اگر پدیده تنوع و اختلاف رنگ‌ها که خداوند مردم را بر آن آفریده است، از میان برود، همه زندگی آشفته و فاسد می‌شود.» (القرضاوی، ۲۰۰۳)

رابطه العالم الاسلامی، در هشتمین دلیل بر ضد شبیه‌سازی انسانی، این‌گونه استدلال می‌کند: «تنوع و تمایز، سنت خداوند در خلق انسان است، که حیات بشری

را از طریق تکامل غنی می‌سازد. حال آنکه لازمه شبیه‌سازی ایجاد نسخه‌های مکرری از انسان است و این کار موجب محرومیت اشخاص شبیه‌سازی شده از ویژگی، یگانگی و تمایز از دیگران است: «و من آیات خلق السماوات و الارض و اختلاف السننکم و الوانکم ان فی ذلک آیات للعالمین» (سوره روم، آیه ۲۲) «(الترکی)

شش. بازی با مخلوقات و دستکاری ژنها: مفروض آن است که در تکنیک شبیه‌سازی انسانی، برای رسیدن به مطلوب خود و به دست آوردن موجود مورد نظر، باید ژن‌های موجود در هسته سلول به شکلی که می‌خواهیم و مد نظر داریم دستکاری شود. این دستکاری مستلزم حذف و اضافه برخی از ژن‌هاست. ما ژن‌های ناقص، معیوب و یا ناخواسته را از هسته خارج می‌کنیم و ژن‌های مورد نظر را به هسته می‌افزاییم و به این ترتیب، ترکیب ژنتیکی مورد نظر خود را فراهم می‌آوریم. این کار توسط دانشمندان در مورد حیوانات انجام شده و حتی انگیزه اولیه اصلی شبیه‌سازی دالی نیز حفظ گوسفندی بود که از طریق دستکاری ژنتیکی ایجاد شده بود. این‌گونه حیوانات ترانسژنیک (transgenic) برای بشر ضرورت فراوان دارد. از طریق این تکنولوژی می‌توان گاو‌هایی پدید آورد که شیرهایی با مختصات مورد نظر جهت درمان برخی بیماری‌ها تولید کنند. در شبیه‌سازی انسانی، این کار در مورد انسان نیز انجام می‌گیرد و این کار حرام است پس شبیه‌سازی انسانی حرام و نافی یکی از اصول اعتقادی اسلامی است. این دلیل به گونه‌های مختلفی تفسیر می‌شود؛ گاه به عنوان یک دلیل اخلاقی و ناقض کرامت انسانی برضد شبیه‌سازی انسانی اقامه می‌گردد، گاه به عنوان یک دلیل اجتماعی، گاه نیز به عنوان آنکه این کار یکی از مقاصد پنجگانه اصلی شریعت را مختل می‌سازد و به این ترتیب مسئله جنبه کلامی می‌یابد. در متون عربی از کاری که دانشمندان مهندسی ژنتیک انجام می‌دهند بارها به عنوان «التلاعب بالجينات» یا «اللعب بالتركيب الوراثي» نام برده می‌شود. برای نمونه عادل ناظر با دفاع از شبیه‌سازی در عرصه حیوانی و در مخالفت با شبیه‌سازی انسانی می‌گوید: «لكننا ضد اللعب في الجينات و تغيير الصورة التي خلقنا بها الله.» (الاستنساخ الجيني، بی‌تا: ۳۹) عبدالفتاح سواحل نیز در مقاله «الاستنساخ الحيوي البشري حقیقه ام خرافه»، ادعا می‌کند که کوشش برای تغییر خلقت و تبدیل فطرت انسان و بازی با ترکیب وراثتی او از طریق شبیه‌سازی مخالف سنن الهی و فطرت الله است که فطرت الناس علیها و از این تعبیر استفاده می‌کند: «اللعب بتركيبه الوراثي». (عوده الله: ۲۰۰۳، ۱۵۲) عجل‌النشمی نیز از این تعبیر این گونه بهره می‌گیرد: «اخضاع الانسان لهذه التجارب و اللعب في جيناته...» (همان: ۱۳۶)

این کار زمینه را آماده می‌سازد تا بتوان به آسانی حکم مورد نظر را برضد شبیه‌سازی انسانی صادر

۱. گفتنی است که لعب و تلاعب هر دو به یک معناست، اما عمدتاً از تلاعب استفاده می‌شود تا بر بازی بودن این کار تأکید بیشتری صورت گیرد. زیرا طبق قاعده زبانی عربی: «کثرة الميانی تدل علی کثرة المعانی» در این افزایش حروف تأکید بیشتری پدید می‌آید.

نمود؛ زیرا همین تعبیر که دارای بار عاطفی خاصی است، مخاطب را آماده می‌کند تا احتمالاً هر حکمی را بپذیرد. در نتیجه ریاض‌احمد یکی از مفاسد شبیه‌سازی انسانی را همین بازی می‌داند: «زیرا کافی است که مقداری سلول در اختیار داشته باشیم و آنها را در تخمک‌ها بکاریم و جنین‌هایی ایجاد کنیم.» (همان: ۱۹۰) و به همین دلیل آن را تحقیر کرامت انسانی می‌شمارد. (همان: ۱۳۶) از نظر عبدالباسط الجمل نیز: «این تغییر، بازی با ژن‌هاست و به هرج و مرج می‌انجامد.» (الجمل، ۲۰۰۲: ۱۶۰) دیگری درباره مشروعیت عملی مطابقت آن را با نصوص دینی شرط می‌داند و بر یگانگی وسیله و هدف تأکید می‌کند: «اما در شبیه‌سازی چنین نیست، زیرا با بازی با ژن‌ها و هسته‌ها آغاز می‌شود و با قتل و نابودی انسان پایان می‌یابد و از هتک اعراض و انساب و ریشه‌دار ساختن بیماری‌ها و از کار انداختن سنن طبیعی و تمدنی که نظام هستی طبق آنها جریان یافته است، می‌گذرد. پس این وسائل نیز حکم این غایات را گرفته ممنوع می‌شود.» (مختار الخادمی: ۱۴۲۵، ۸۴) سرانجام آن که وهبه‌الزحیلی آن را بازی با خلق خدا و تغییر خلق و اخلاق به مقاصد حق و اصول خمس کلیه و جرمی بزرگ به شمار می‌آورد. (زرق: ۱۲۲)

اینها دلایل کلامی اساسی بر ضد شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه اهل سنت به شمار می‌رود.

بررسی دلائل کلامی تحریم شبیه‌سازی انسانی

آیا دلائل کلامی فوق، برای اثبات مدعای اهل سنت را دارد و می‌توان منطقاً از مجموع آنها حرمت شبیه‌سازی انسانی را استنتاج نمود؟ در نظر اول پاسخ به این پرسش مثبت است، بویژه آنکه اجماعی استوار در این باره وجود دارد که در قالب بیانیه مجمع فقهی و فتاوی بزرگان اهل سنت منتشر شده و چنان سلسله مفاصدي برای شبیه‌سازی انسانی چیده شده است که گاه حتی اندیشه نقد و تأمل در باب آنها به ذهن کسی خطور نمی‌کند. با این حال هنگامی که این دلائل در سنجه نقد آزموده و پوشش خطابی آنها کنار زده می‌شود، گویی «مبالغه مستعاری» بیش نیست و در عمق از اصول استدلال برخوردار نمی‌باشد. در برخی از این دلایل اساساً مقدمات استدلال رعایت نشده است و منطقاً نتیجه ادعایی از دل مقدمات بیرون نمی‌آید. برخی از دلائل اساساً ربطی به شبیه‌سازی انسانی ندارد. برخی از دلایل، دیگر دلائل را نفی و خنثی می‌کند. برخی از دلایل با مبانی خود اهل سنت ناسازگار است و به فرض قبول آنها، باید به لوازمی تن در داد که اهل سنت پذیرای آن نیستند و سرانجام آنکه برخی دلایل، باز به فرض صحت و تمامیت، اخص از مدعا هستند. حال به تحلیل این دلایل بپردازیم.

۱. همان تا سپر نیفکنی از حمله فصیح مستعار نیست
دین ورز و معرفت که سخندان سجع‌گویی را
و کس در حصار نیست
(گلستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۴؛ ص ۱۶۶).

یک. تحلیل شبهه خلق و اعجاز: خلاصه این دلیل آن است که هر چند شبیه‌سازی انسانی خلق نیست، اما تحقق آن این شبهه را پیش می‌آورد که انسان دست به خلق زده و قدرت خالقیت دارد، به ویژه آنکه با مسائلی چون نحوه ولادت حضرت عیسی چالش پیدا می‌کند. از اینرو برای پیشگیری از این قبیل شبهات و به استناد قاعده اصولی سد ذرائع، باید آن را حرام شمرد، تا مردم ساده‌دل فریب نخورند و ایمانشان سست نشود.

آیا این استدلال پذیرفتنی است؟ آیا نمی‌توان با همین مبنا بسیاری از امور حلال و خیلی از کشفیات را به همان مقداری که شبهه‌آفرین هستند، تحریم نمود؟ برای مثال قرآن کریم می‌فرماید که خداوند از آنچه درون رحم‌هاست خبر دارد و بدین ترتیب، از گستره علم حق تعالی نام می‌برد. (برای مثال، سوره رعد، آیه ۸ و سوره لقمان، آیه ۳۴) حال با فراهم شدن امکان سونوگرافی، هر کس می‌تواند در این علم شریک خداوند شود و این مسئله می‌تواند شبهه مشارکت در علم خدا را برای افراد ساده‌لوح فراهم سازد و کسانی همین تکنیک را مایه تضعیف باورهای دینی مردم قرار دهند. پس طبق این مبنا و برای حفظ ایمان مردم و به استناد سد ذرائع، باید سونوگرافی و هر نوع تکنولوژی را که امکان شناخت جنسیت و وضعیت جنین را در درون رحم روشن می‌کند، حرام شمرد. آیا می‌توان این نتیجه را پذیرفت و حکم به مغایرت سونوگرافی با آیات قرآن داد؟ از قضا یکی از دلایل مخالفان تعیین جنسیت جنین در میان اهل سنت همین مسئله است و آنان به دلیل تعارض امکان تعیین نوع جنس جنین با آیات فوق، آن را حرام شمرده‌اند.

به فرض که این مورد را حل کردیم، باز فردا مسئله دیگری پیش خواهد آمد و هر پیشرفت علمی، به ویژه در عرصه مهندسی ژنتیک، می‌تواند تهدیدی برای باورهای غیر دقیق و تقلیدی عامه مردم گردد، از اینرو باید هر روز حکم تحریم دستاوردهای جدید علوم را صادر کرد و این کاری است که عملاً در برخی از مجامع اهل سنت رواج داشته است. نخستین برخورد با یافته‌های جدید، تحریم آن بوده و پس از مدتی مقاومت و پافشاری، تسلیم و سپس حکم به جواز صورت می‌گرفته است. برای مثال در گذشته برخی از همین افراد رفتن انسان به کره ماه را تحریم کردند، لقاح برون رحمی را حرام دانستند و پیوند کلیه را خلاف شرع معرفی کردند، اما بعدها همه آنها را مجاز شمردند. هر چند هنوز مسئله پیوند در مصر مسئله‌ساز است و برخی از علما مدت‌ها نقل قلب و کلیه را حرام می‌دانستند. (خطاب، ۱۹۹۷: ۶۱)

در اینجا دو مسئله را باید از یکدیگر تفکیک کرد: یکی اینکه شبیه‌سازی انسانی، چالشی است برای باورهای دینی یا خیر، دوم اینکه با هر یافته‌ای که

۱. برای دیدن نقد و پاسخ آن نک: الهندسه الوراثیه بین معطیات العلم و ضوابط الشرع، ایاد احمد ابراهیم، عمان، دار الفتح للدراسات و النشر، ۲۰۰۳، ص ۱۲۷. این کتاب به وسیله نگارنده این سطور، گزارش و بررسی شده است، نک: (اینه پژوهش، شماره ۸۷، مرداد ۱۳۸۳، ص ۰۹۴).

دین را به چالش فراخواند باید مبارزه کرد و آن را تحریم نمود یا خیر. این حکم کلی که هر یافته‌ای را به صرف پندار چالش با اصول تحریم کنیم، نه تنها غیراخلاقی و با مبانی دینی ناسازگار است، بلکه اساساً ناشدنی و بی‌حاصل می‌باشد. برای مثال، تحریم شبیه‌سازی انسانی اگر هم درست باشد، اساساً کسانی که این تکنولوژی را ابداع کردند و از آن بهره می‌گیرند، از دایره شمول احکام علما بیرون هستند و از این‌رو، حکم به محاربه بودن آنان و یا دستور بریدن دست و پای آنان، به شوخی شبیه‌تر است، تا سخنان جدی. از این‌رو، این باور که هر مسئله‌ای که برای دین چالشی به وجود آورد و عقاید عامه را سست کرد باید تحریم شود، امروزه لوازمی دارد که کسی نمی‌تواند به آن تن دردهد.

اما این مسئله نیز که شبیه‌سازی انسانی، موجب تضعیف عقاید عامه مردم می‌شود، جای تأمل دارد. گفتنی است که افرادی از جمله قرضایی بر این باورند که این مسئله می‌تواند مؤیدی بر بسیاری از مسائل دینی مانند نحوه آفرینش حوّا، تولد حضرت عیسی و مسئله معاد باشد. به همین دلیل تکنسین‌هایی نیز با همین نگرش، نگاه شده و حتی کسانی گفته‌اند که این تکنیک از زمان حضرت آدم وجود داشته است.^۱

به فرض که این مسئله مایه سستی عقاید عامه مسلمانان شود و شبهه خلق را ایجاد کند، به جای آنکه آن را اولین دلیل بر حرمت شبیه‌سازی انسانی قرار دهیم و بگوییم که این کار منافی جوهر عقاید اسلامی است و این پندار را به وجود می‌آورد که گویی کسانی می‌توانند در برابر خدا دست به آفرینش بزنند و این پندار باطل موجب سستی عقاید مسلمین ساده‌دل می‌شود، باید بکوشیم تا این پندار باطل از بین برود نه آنکه شبیه‌سازی تحریم شود؛ زیرا خود این برخورد و تحریم، نه تنها آن شبهه و پندار را از بین نمی‌برد، بلکه آن را تقویت می‌کند و دلیل دیگری بر درستی آن به شمار خواهد رفت.

دو. تحلیل تقدی با خالق و دخالت در کار او: درباره این دلیل چهار نکته گفتنی است: نخست آنکه کجای این کار تقدی است؟ در این مورد سخنان فراوانی گفته شده است که مآل همه آنها این است که خداوند برای تولید نسل انسانی، سنتی را معین کرده است که طبق آن تنها از طریق باروری جنسی زاده و ولد صورت می‌گیرد و بشر با ایجاد سنتی دیگر، یعنی تولید مثل غیر جنسی، آهنگ خدایی زده و با او به رقابت برخاسته است. از این تفسیر گاه به عنوان نقض سنت خدا در قاعده تفرّد و گاه خصومت با خدا و زیر پا نهادن قوانین او نام برده شده است. اگر این تفسیر را بپذیریم، در آن صورت بسیاری از کارهای دیگر که یکی از قوانین زیستی موجود را نقض

۱. برای آشنایی با این برداشت، نک: الاستنساخ البشري هل هو ضد المشيئة الالهية، ص ۵۵؛ الاستنساخ بدعه العصر، ص ۲۵؛ الاستنساخ البشري بين القرآن و العلم الحديث، ص ۵۰-۶۶؛ الاستنساخ البشري، ص ۷۰؛ الاستنساخ الجيني، ص ۸۱؛ الاستنساخ البشري و تداعياته؛ الاستنساخ بين العلم و الدين، يوسف القرضاوي. الاستنساخ بدعه العصر، ص ۵۱.

کند، مبارزه‌طلبی با خدا و تحدی با او به شمار خواهد رفت که در این مورد برای مثال می‌توان از لقاح بیرون‌رحمی (IVF) نام برد. طبق دلیل فوق می‌توان ادعا کرد که در تولید مثل انسانی، سنت خداوند بر آن قرار گرفته است که تخمک از تخمدان حرکت کرده و درون بدن زن با اسپرم مرد بیامیزد و سپس زایگوت (Zygote) تشکیل شده در رحم مستقر گردد. در هیچ کجای طبیعت نداریم که زنی به طور طبیعی از طریق لقاح بیرون‌رحمی بارور شود. از اینرو انواع روش‌های درمان ناباروری که مستلزم بیرون کشیدن تخمک و باروری آن در بیرون رحم است، خلاف سنت خدا و تحدی با قوانین او به شمار می‌رود، پس حرام است. از اینرو یا باید دست از حرمت شبیه‌سازی انسانی کشید و یا هر دو کار را حرام دانست؛ زیرا خواه استدلال در اینجا یکی است.

از قضا کسانی به همین دلیل با درمان سترونی مخالفند و آن را مخالف با مشیت الهی می‌دانند و برخی مانند شیخ حرز سلامه، از عالمان الازهر، دکتر عبدالله الخریجی، از دانشگاه ملک عبدالعزیز در جده، و شیخ محمد متولی شعراوی آن را مطلقاً حرام شمرده‌اند. شعراوی ناباروری و عقم را هدیه‌ای الهی و هدف خدا را از این کار آن می‌داند که به ما نشان دهد تولید مثل تنها یک مسئله مکانیکی نیست و تنها تابع اراده علوی است. (غنیم: ۳۰۱) پس درمان ناباروری نیز تحدی با خداست. عارف علی عارف، استادیار فقه و اصول دانشگاه بین‌المللی مالزی نیز بر این باور است که یکی از حکمت‌های الهی آن است که برخی را عقیم قرار داده است، در نتیجه هرگونه تلاش غیر طبیعی در جهت تولید مثل در تضاد با سنت خدا در خلق خود به شمار می‌رود، پس حرام است: **«لله ملك السماوات و الارض یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء و یهب لمن یشاء الذکور، او یزوجهم ذکراً و انثاً و یجعل من یشاء عقیماً انه علیم قدیر.»** (سوره شوری، آیه ۴۹ - ۵۰) (عوده الله: ۲۰۰۳، ۲۰۰) این راه گرچه آسان به نظر می‌رسد، اما مخاطراتی دارد. اگر این نتیجه را پذیرفتیم، آن گاه طبق این استدلال (از آنجا که عقم به طور طبیعی در نهاد برخی سرشته شده و حکمت خدا چنین اقتضا کرده است) هرگونه تلاشی از هر نوع که باشد، غیر طبیعی خواهد بود و ناقض این حکمت به شمار خواهد رفت. البته اینجا یک مشکل دیگر نیز رخ می‌دهد و آن نقض اراده الهی و مغلوبیت حق تعالی در جایی خواهد بود که سترونی درمان شده است. متولی شعراوی می‌گوید: فلسفه سترونی آن است که به بشر بیچاره نشان دهد که باروری صرفاً مسئله‌ای مکانیکی نیست. لیکن اگر ما توانستیم ناباروری و سترونی را درمان کنیم، عملاً نشان داده‌ایم که بر خلاف ادعای خدا، نعوذ بالله، تولید مثل، صرفاً یک مسئله مکانیکی است و به این ترتیب، اراده حق مغلوب اراده بشر شده است، حال آنکه **والله غالب علی امره**. البته مدافعان شعراوی و امثال او در اینجا می‌توانند بگویند که در برخی موارد که موفق به حل معضل سترونی شده‌ایم، تنها در آن موارد تولید مثل مکانیکی است، ولی در مواردی که قطعاً موفق خواهیم شد، همچنان این کار تابع اراده علوی به شمار می‌رود. در پاسخ این ادعا می‌توان گفت که در اینجا تنها مسئله زمان است، و آنچه که طبق

این مبنای تا چند سال قبل مجال به شمار می‌رفت و تابع اراده علوی بود، امروزه تنها یک مسئله کوچک مکانیکی به شمار می‌رود، مانند بسته‌بودن لوله فالوپ (fallopian tube) در زن. دشواری این نگرش آن است که اراده خدا را در عرض اراده بشر قرار می‌دهد که هر جا اراده بشر موفق شود، اراده الهی باید عقب بنشیند، زیرا دو اراده به امر واحد تعلق نمی‌گیرد. اینجاست که غالباً تازه‌های علمی گویی اراده خدا را مغلوب کرده است و باید تنها در خلا علمی و به هنگام جهل در پی اراده الهی برآمد. در هر صورت، این استدلال خطرناکی است که ادامه آن به سود استدلال‌کننده نیست.

به همین سبب، در برابر این نحوه استدلال که راه به جایی نمی‌برد، بیشتر عالمان اهل سنت درمان عقم را مجاز شمرده و باز به همین دلیل در نهایت، لقاح برون‌رحمی را مجاز دانسته‌اند. مجمع‌الفرقه الاسلامی در سومین کنفرانس خود که در هشتم تا سیزدهم ماه صفر ۱۴۰۷ هجری قمری در عمان، پایتخت اردن، برگزار شد، مسئله لقاح برون‌رحمی و شقوق مختلف آن را به بحث گذاشت و نظر نهایی خود را در بیانیه پایانی این کنفرانس منتشر نمود. در این بیانیه هفت صورت معرفی و از آن میان، دو صورت آنکه میان زوجین است، مجاز شمرده شده است که یکی از آنها لقاح از طریق تکنیک آی. وی. اف (IVF) به شمار می‌رود. حال آنکه در این تکنیک بی‌شک شیوه متعارف تولید مثل نقض شده است و راه تازه‌ای برای آن ابداع شده است، آیا این کار تحدی با خالق است یا خیر؟ اگر تحدی است باید حرام شمرده شود. اگر هم تحدی نیست، پس شبیه‌سازی انسانی نیز که کاربرت تکنیک دیگری برای تولید مثل است و از این جهت با لقاح برون‌رحمی تفاوتی ندارد باید مجاز شمرده شود. این جاست که شاهد یک دوگانگی و ناسازگاری در صدور حکم و تفسیر مسائل هستیم؛ در این جا روی سخن با کسانی مانند شعراوی نیست، بلکه بحث از کسانی چون قرضاوی و دبیر کل رابطه العالم الاسلامی است که همزمان لقاح برون‌رحمی را مجاز می‌شمارند و در همان حال حکم به تحریم شبیه‌سازی انسانی می‌دهند و این گویای تناقض در مبنا به شمار می‌رود.

نکته دوم آنکه چه کسی گفته است شبیه‌سازی انسانی تحدی با خداوند است؟ تحدی از «عناوین قصیده» است که تنها با قصد و نیت انجام آن تحقق پیدا می‌کند و از این جهت مانند توهین و تعظیم است که قصد داشتن، از عناصر قوام آنها به شمار می‌رود. در نتیجه، تحدی یعنی اینکه کسی کاری را با قصد و به عنوان مبارزه‌طلبی انجام دهد. برای مثال عمل فرعون، آنجا که از هامان می‌خواهد تا برایش بنای بلندی برآورد تا خدای موسی را ببیند، تحدی است. (نک: سوره قصص، آیه ۳۸) از این رو قرآن از استکبار او نام می‌برد. اما اگر امروزه کسی فضاپیمایی بسازد تا به کرات دیگر برود و آنجا را بشناسد، نمی‌توان این کارش را تحدی خواند، هرچند

^۱ برای دیدن متن این بیانیه، نک: **قرارات و توصیات مجمع‌الفرقه الاسلامی: من الدورة الثانیة حتی العاشرة،** تنسیق عبد الستار ابو غدة، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۸، ص ۳۴-۵.

بعضی‌ها در آغاز این کار، آن را نیز نوعی تحدی و حرام دانستند. تحدی یعنی مبارزه‌طلبی که آن هم با قصد این کار همراه است. نمرود که با حضرت ابراهیم به محاجه می‌پردازد، دست به مبارزه‌طلبی زده است، (نک: سوره بقره، آیه ۲۵۸) نه اینکه کسی بدون قصد تحدی دست به ابداعی و ابتکاری بزند. قاعده کلی در این باره آن است که «**انما الاعمال بالنیات**». در این‌گونه امور آنچه امري را حرام می‌سازد، قصد فرد انجام دهنده است، از این‌رو دومین ماده از کتاب «**المجله العدلیه**»، چنین مقرر می‌دارد: «**الامور بمقاصدها**». (کاشف الغطاء، ۴۲۲، ج ۱: ۱۲۹) این ماده که برگرفته از حدیث نبوی و مقبول همه اهل سنت است، گویای نقش نیت در امور است و تا جایی که نیت خلاف احراز نشده، اصل بر صحت است. بنابراین اگر هم کسی به قصد تحدی شبیه‌سازی انسانی را اعمال کند، این عمل با قصد تحدی حرام خواهد بود، نه به گونه‌ای مطلق. کمال‌الدین جمعه بکرو، با اشاره به اینکه شبیه‌سازی تحدی با خدا به شمار نمی‌رود، می‌گوید که معلوم نیست که کسی که دالی را شبیه‌سازی کرد نیز چنین ادعایی کرده باشد: «**لا یعلم ما فی السرائر الا الله سبحانه و تعالی**». (جمعه بکرو، ۲۰۰۱: ۴۲۴)

نکته سوم آنکه اساساً چه کسی گفته است، تحدی حرام است؟ خداوند در موارد متعددی از قرآن همه بشر را به تحدی خوانده است، از این‌رو حتی می‌توان گفت که تحدی نه تنها حرام نیست، بلکه مطلوب و اجابت خواسته خدا می‌باشد. زیرا در تحدی مسئله از دو صورت خارج نیست، یا کسی که به تحدی با خدا می‌پردازد، در کار خود موفق می‌شود، یا ناکام می‌گردد. در صورتی که موفق شود و خداوند را، نعوذ بالله، شکست دهد، که همان بهتر که شکست دهد، زیرا خدایی که نتواند خودش منافع خودش را حفظ و موقعیتش را نگه دارد، بنده ناچیز کجا توان این کار را دارد. از این‌رو در اینجا باید گفت که و للبیت ربّ. اگر هم در کارش ناکام ماند، که باز قدرت خدا را بیشتر به نمایش گذاشته است. بیشتر مفسران یکی از وجوه اعجاز قرآن را همان تحدی‌طلبی در برابر آیات می‌دانند. خداوند از هر مدعی خواسته است تا ده سوره (سوره هود، آیه ۱۳) و گاه یک سوره، (سوره بقره، آیه ۲۳ و سوره یونس، آیه ۳۸) مشابه سوره‌های قرآن بیاورد. معقول نیست که کسی دیگران را به مبارزه دعوت کند، اما آنان را از مبارزه بازدارد. این مانند کسی می‌ماند که دیگری را به نبرد دعوت کند، اما دست و پای او را ببندد. البته برخی از اهل سنت تحدی قرآن را از همین مقوله دانسته و گفته‌اند که خداوند فصحای عرب را به مبارزه فراخواند، ولی مانع از آن شد که دست به تحدی بزنند و این نظریه را «صرفه» می‌نامند، یعنی خداوند آنان را از این کار منصرف ساخت.^۱ ترس از تحدی، بیانگر ضعف

^۱ در باره معانی تحدی و نظریه صرفه از منظر کلامی، نک: علامه حلی، کشف المراد فی شرح تخرید الاعتقاد، تصحیح علامه حسن حسن‌زاده آملی، ص ۳۵۷ و ۵۹۹-۶۰۰.

است و دعوت به مبارزه نشانه قدرت و خداوند همواره از موضع قدرت سخن گفته است. از اینرو به فرض که شبیه‌سازی انسانی تحدی با خالق باشد، حرام نخواهد بود.

چهارمین نکته آن است که اساساً تحدی در اینجا معنا ندارد. در اینجا فرض آن است که مسلمانان می‌خواهند تکلیف یک مسئله را روشن کنند و ببینند که این کار حلال یا حرام، اخلاقی یا غیراخلاقی و مجاز یا غیرمجاز است. از اینرو از صاحب‌نظران دینی در این باره پرسش می‌کنند که آیا می‌توان دست به آن کار زد یا خیر. یک متخصص مهندسی ژنتیک مسلمان هنگامی که از کسی مانند قرضای دربار حکم شبیه‌سازی انسانی می‌پرسد، می‌خواهد تکلیف خود را به عنوان یک مسلمان در این مسئله روشن سازد. یعنی وی پیشاپیش تسلیم خدایی شده که قرآن معرفی کرده است و اینکه می‌خواهد طبق فرمان‌های این خدا در زندگی فردی و اجتماعی و علمی خود رفتار نماید. اینجا است که اساساً سخن از تحدی با خالق در میان مسلمانان معنایی محصلی ندارد. شخص پرسشگر می‌تواند بگوید که من نه قصد تحدی دارم و نه به این مسئله اندیشیده‌ام. من مسلمان می‌خواهم بدانم که این عمل حلال است یا حرام. از اینرو اگر هم این کار را حرام بدانیم، باز منطقی‌تر می‌توان به استناد تحدی و مسائلی از این قبیل حکم به حرمت داد.

سه. تغییر خلق الله: معروفترین دلیلی که بیشتر مخالفان شبیه‌سازی انسانی آن را به شکل‌های مختلفی تقریر می‌کنند آن است که در شبیه‌سازی انسانی تغییر خلق الله صورت می‌گیرد و این کار حرام است. مستند این حرمت آیه شریفه قرآن و حدیثی از رسول خدا است. در اینجا نخست مستند این دلیل و دلالت آن، و سپس موارد نقض آنها نشان داده خواهد شد.

نخست آنکه یکی از این مستندات، حدیثی است که به عبد الله بن مسعود می‌رسد، به همین دلیل حجت نیست و نمی‌توان به آن استدلال کرد. در این مورد تنها تحلیل محمد سلیمان‌الاشقر، از عالمان اهل سنت نقل می‌شود که به کوتاهی نشان می‌دهد که استناد به این حدیث نادرست است. طبق نظر او از نقل‌های مختلف و الفاظ این حدیث فهمیده می‌شود که این نقل از خود ابن‌مسعود است و به اصطلاح حدیثی «موقوف علیه» است و قول او حجت نیست. زیرا طبق نظر محققان اصول فقه قول صحابی در مسائل دین حجت نیست. اما به فرض نیز که سخن او

۲. درباره حجیت قول صحابی میان اهل سنت اختلاف نظر شدیدی وجود دارد. ابوزهره، قول صحابی را حجت دانسته آن را به جمهور فقها نسبت می‌دهد و دلایلی برای حجیت آن ذکر می‌کند. (اصول الفقه، ص ۱۹۸) وی در این مورد ادعا می‌نماید که ائمه اربعه اهل سنت نیز قول صحابی را حجت می‌دانستند، لیکن بعدها کسانی آمدند و از قدر قول صحابی کاستند و آن را بی‌اعتبار شمردند. (همان، ص ۲۰۳) لیکن شوکانی، درست بر خلاف ابوزهره، بی‌اعتباری مطلق قول صحابی را به جمهور فقها منسوب می‌دارد. (ارشاد الفحول فی تحقیق الحق من علم الاصول، ج ۲، ص ۱۹۴) وی در این مورد چند نظر دیگر را نیز نقل می‌کند، از جمله حجیت آن در صورتی که موافق قیاس باشد، حجیت آن در صورتی که مخالف قیاس باشد، سپس با تعبیری بسیار تند و گزنده که کسانی مانند ابوزهره را سخت رنجانده است (اصول الفقه، ص ۲۰۳) بر عدم حجیت قول صحابه، در هر مقام و منزلتی که باشند تأکید می‌کند و احادیثی را که در این زمینه معروف هستند، مانند «اصحابی کالنجوم» به تیغ نقد می‌سپارد و آنها را از

را حجت بدانیم، «تفلیح» (فاصله انداختن بین دندان‌ها) و مانند آن تغییری در جسم است که خلقت انسان را به گونه دیگری، جز آن چه واقعاً هست، نشان می‌دهد و این کار بر شبیه‌سازی که تولید نسخه طبق اصل است، منطبق نمی‌شود، مگر آنکه در اینجا نیز با دستکاری ژنتیکی کارهایی مانند مرغ سه پا ایجاد شود. (الاشقر: ۲۳) بدین ترتیب این حدیث از نظر حجیت مشکل دارد. اگر هم آن را حجت بدانیم، بر مورد شبیه‌سازی انسانی صدق نمی‌کند.

حال ببینیم که مفاد آیه شریفه چیست؟ باز به گفته الاشقر، این آیه از نظر اکثر مفسران ناظر به حفظ دین حق و توحید در عبادت و دوری از شرک است، نه خلقت فیزیکی. (پیشین)

زیاد احمد سلامه نیز در دفاع از شبیه‌سازی در دلالت این آیه مناقشه می‌کند و نکاتی را بیان می‌دارد. یکی آنکه برخی از مفسران مانند سعید بن جبیر، ابن مسیب و ضحاک، مقصود از تغییر خلق را تغییر دین خدا دانسته‌اند. دیگر آنکه اساساً تغییر خلق پس از اصل خلق محقق می‌شود، ولی در مسئله شبیه‌سازی انسانی خلقي صورت نگرفته است تا تغییری در آن داده شود. سوم آنکه برخی گفته‌اند مقصود از تغییر خلق، تبدیل حلال به حرام و بالعکس است. چهارم آنکه در مواردی مانند حل معضل ناباروری، شبیه‌سازی انسانی اساساً خلق نیست و آنچه که رخ می‌دهد مندرج تحت این سخن رسول اکرم است که اعرابی از او پرسید: «یا رسول الله انتداوی؟» حضرت پاسخ داد: «نعم یا عباد الله، تداووا فان الله عزوجل لم یضع داء الا و وضع له شفاء غیر داء واحد. قالوا: ما هو یا رسول الله؟ قال الهرم.» (ابن حنبل، ج ۴: ۲۷۸) بنابراین، این کار نوعی درمان است، نه تغییر خلق الله. پنجم آنکه به فرض این کار تغییر خلق باشد، آیا هر تغییر خلقي نادرست است؟ مگر برخی از فقها، انواعی از جراحی‌های پلاستیک را برای درمان نقص‌های صورت و دهان مجاز ندانسته‌اند، مگر آنان عمل جراحی جهت برداشتن انگشت زائد را روا شمرده‌اند؟ پس می‌توان این تغییر را نیز که نیازهای

نظر سندی بی‌ارزش می‌شمارد و بر یکسانی آنان با غیر صحابه تأکید می‌نماید. متن نوشته جسورانه او در این مورد چنین است: «و الحق انه ليس بحجة، فان الله سبحانه لم يبعث الي هذه الامه الا نبياً محمداً صلى الله عليه وآله وسلم، وليس لنا الا رسول واحد و كتاب واحد و جميع الامه مأمورة باتباع كتابه و سنه نبيه و لا فرق بين الصحابه و بين من بعدهم في ذلك. فكلهم مكلفون بالتكاليف الشرعية و باتباع السنه. فمن قال: انه تقوم الحجة في دين الله عزوجل بغير كتاب الله تعالي و سنه رسوله و ما يرجع اليهما، فقد قال في دين الله بما لا يثبت، و اثبت في هذه الشريعة الاسلاميه، شرعاً لم يامر الله به و هذا امر عظيم و تقوّل بالغ. فان الحكم لفرد او افراد من عباد الله بان قوله، او اقوالهم حجة علي المسلمين يجب عليهم العمل بها و تضرير شرعاً ثابتاً متقراً نعم به البلوي، مما لا يدان الله عزوجل به و لا يجزئ مسلم الركون اليه و لا العمل عليه، فان هذا المقام لم يكن الا لرسول الله... ۶۹۶... و اما ما تمسك به بعض القائلين بحجة قول الصحابي، مما روي عنه صلى الله عليه وآله وسلم انه قال: "أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم"، فهذا لم يثبت قط و الكلام فيه معروف عند أهل الشأن... فاعرف هذا و احرض عليه، فان الله لم يجعل اليك و الي سائر هذه الامه رسولا الا محمداً صلى الله عليه وآله وسلم و لم يامر بك باتباع غيره و لا شرع لك علي لسان سواه من امته حرفاً واحداً و لا جعل شيئاً من الحجة عليك في قول غيره كائناً من كان. (ارشاد الفحول، ج ۲، ص ۶۹۶ - ۶۹۷)

عاطفی والدین نابارور را برآورده می‌کند، حجاز شمرده. (عوده الله: ۲۰۰۳، ۱۹۵)

این از استناد به آیه و حدیث مربوطه. همان طور که دیدیم خود اهل سنت در این باره نظر واحدی ندارند، از این رو استناد به این نصوص در اینجا اگر نگوییم نادرست، حداقل دشوار است.

حال فرض را بر این بگذاریم که این آیه دلالت روشنی بر تغییر فیزیکی دارد و شبیه‌سازی انسانی نیز تغییر خلق است، آنگاه باید بسیاری از اعمال مباح را حرام شمرده. اصلاح نباتات و حیوانات از گذشته‌های دور در همه جا معمول بوده است و مسلمانان نیز این روش را در مورد گیاهان، درختان و حیوانات خانگی اعمال می‌کرده‌اند. برای مثال در طبیعت درخت هلوی انجیری، یا گاوی که روزی شصت لیتر شیر تولید کند، نداریم و این کار تنها با دستکاری ژنتیکی در درختان و پیوند زدن میان درختان حاصل شده است و این همان تغییر خلق الله است. آیا کسی فتوا به حرمت این نوع تغییر می‌دهد؟ مسئله دیگر آن که این استدلال بر ضد خود مخالفان شبیه‌سازی انسانی خواهد بود. همان طور که در بالا اشاره شد کسانی که شبیه‌سازی انسانی را تحریم کرده‌اند، شبیه‌سازی در عرصه گیاهان و حیوانات را حجاز شمرده‌اند. حال آنکه این کار نیز تغییر خلق الله است. در آیه شریفه و حدیث فوق تغییر خلق به طور مطلق آمده است، از این رو نمی‌توان آن را در جایی حلال و در جایی حرام دانست. حتی در آیه تأکید بیشتر بر تغییر خلق حیوانات بوده است، از این نظر طبق این آیه شبیه‌سازی حیوانی باید به طریق اولی حرام باشد. قرضای و مجمع‌الفقہ الاسلامی بدون دلیل قانع‌کننده‌ای شبیه‌سازی حیوانی را حجاز و شبیه‌سازی انسانی را حرام می‌دانند، حال آنکه مسئله تغییر خلق در هر دو وجود دارد. البته ممکن است آنان استدلال کنند که از باب مسخر بودن هستی برای انسان این کار حجاز است، ولی سخن در حلیت این کار نیست. بحث آن است که آیا این کار تغییر خلق الله به شمار می‌رود یا خیر؟ اگر تغییر خلق به شمار می‌رود به چه دلیل نوع خاصی از تغییر خلق حجاز و نوع دیگری حرام است و مستند این تفاوت‌گذاری چیست؟ اینجاست که اگر بخواهیم مناقشه را ادامه دهیم، ناگزیر هستیم از ضرورت و مسائلی از این قبیل استفاده کنیم که در آن صورت از همان ادله می‌توان به سود شبیه‌سازی انسانی سود جست. اگر گفته شود که در شبیه‌سازی انسانی تغییر خلق مضر صورت می‌گیرد، باید این مسئله اثبات گردد. سخن کوتاه، میان حکم به جواز شبیه‌سازی حیوانی و حرمت شبیه‌سازی انسانی به استناد دلیل تغییر خلق، دوگانگی به چشم می‌خورد و اگر مستند ما این دلیل باشد باید یا هر دو نوع شبیه‌سازی تحریم شود یا هر دو مباح اعلام گردد. اما کسانی که در اینجا وارد بحث شده‌اند از دو موضع و با دو سنخ دلیل بحث کرده و مبانی خود را در هر جا عوض

کرده‌اند. هنگام بحث از شبیه‌سازی انسانی مسئله تغییر خلق را مطرح می‌کنند و هنگام بحث از شبیه‌سازی حیوانی از این دلیل دست کشیده برای اثبات حلیّت آن از دلیل دیگری یعنی «عدم الزامات اخلاقی در عالم حیوانات» مدد می‌گیرند. برای نمونه محمد رأفت عثمان، رئیس دانشکده شریعت و حقوق دانشگاه الازهر، شبیه‌سازی حیوانی را مجاز می‌شمارد و استدلال می‌کند که عالم حیوانات مشمول احکام و ضوابط اخلاقی عالم انسانی نیست، در نتیجه هر نوع شبیه‌سازی حیوانی جایز است. (رأفت عثمان، ۲۰۰۰) حال آنکه اگر تغییر خلق حرام است، باید با همان معیار در موارد مختلف داوری کرد. اگر هم مسئله نبود ضوابط اخلاقی در عالم حیوانات مجوز شبیه‌سازی حیوانی به شمار می‌رود، دیگر نباید پای تغییر خلق الله را پیش کشید و برای اثبات حرمت شبیه‌سازی انسانی از دلایل دیگری سود جست. در هر صورت این دوگانگی در موارد متعددی از این صدور حکم‌ها دیده می‌شود. الاشقر نیز به این مسئله توجه داده، می‌گوید اگر شبیه‌سازی انسانی را تغییر خلق الله بدانیم، این کار در مورد نباتات و حیوانات نیز تغییر خلق الله خواهد بود. (الاشقر: ۲۴)

حال نوبت پرسش دیگری می‌رسد: اساساً مقصود از تغییر خلق چیست؟ اگر مقصود تغییر نحوه تولد و تولید مثل است، که در لقاح برون‌رحمی نیز وجود دارد و باید آن را نیز حرام شمرد. اگر مقصود از تغییر خلق الله، به وجود آوردن موجود جدیدی است که قبلاً نبوده است؟ که در مورد شبیه‌سازی انسانی معمولی چنین کاری محقق نمی‌شود. همچنین می‌توان بر اساس قانون شبیه‌سازی موجودات غیرعادی را ممنوع کرد. اگر هم مقصود دستکاری خزانه ژنتیکی انسانی است، باز در اینجا چند مسئله پیش می‌آید. یکی آنکه بسیاری از مخالفان شبیه‌سازی انسانی، این نوع دستکاری را برای از بین بردن بیماری مجاز شمرده‌اند، حال آنکه این کار نیز تغییر خلق است. برای مثال، دکتر محمد رأفت عثمان، دستکاری ژنتیکی و گذاشتن ژن سالم به جای ژن معیوب و برداشتن ژن عامل کوتاه‌قدی و درمان آن از طریق گماردن ژن بلندی قد را جایز می‌داند. وی حتی این دستکاری‌ها را نه تنها در مورد درمان بیماری‌ها، بلکه برای تغییر دادن رنگ چشم، رخساره و مو جایز می‌شمارد و بر این نظر است که این قبیل کارها اگر باعث ویرانی خزانه ژنی نشود، اشکالی ندارد. (رأفت عثمان)

دیگر آنکه در شبیه‌سازی انسانی، به ویژه در مورد والدین نابارور که خواستار شبیه‌سازی انسانی هستند، این دستکاری صورت نمی‌گیرد و همه خزانه ژنتیکی به تخمک منتقل می‌شود، پس تغییر خلق نیست. سوم آنکه می‌توان طبق قانون یا شرع تنها آن نوع شبیه‌سازی انسانی را که با دستکاری ژنتیکی همراه هستند، تحریم یا ممنوع کرد، نه هر نوع شبیه‌سازی انسانی را.

بدین ترتیب، به نظر نمی‌رسد که استناد به دلیل بسیار لغزنده و سیال «تغییر خلق الله» بتواند حرمت شبیه‌سازی انسانی را اثبات کند و این دلیل اگر هم کارآیی داشته باشد، چون تیغ دو دمی است که بر ضد مخالفان شبیه‌سازی انسانی نیز به خوبی به کار خواهد رفت. قرضای در جایی مقصود خود را از تغییر خلق الله نشان می‌دهد. از نظر او بیرون کشیدن محتویات تخمک و دخالت در سلول انسانی، تغییر خلق الله است: «ان نزع محتویات البیضه منها و التدخل فی الخلیه الانسانیه يعد تغییراً لخلق الله.» (همیش: بی‌تا، ۲۲۲) اگر معنای دخالت در خلق الله این باشد، که در موارد دیگر مانند لقاح بیرون رومی وجود دارد؛ در آنجا نیز از طریق برخی داروها نخست تخمدان تحریک و فعال می‌شود تا تعداد بیشتری تخمک تولید کند، آنگاه آن تخمکها بیرون کشیده و از سوی دیگر گامت‌های نر انتخاب شده و تلقیح صورت می‌گیرد، هیچ یک از این کارها در مجرای طبیعی خود نیست و دخالت در خلق به شمار می‌رود. از این‌رو باید تحریم گردد. افزون بر آن قرضای خود شبیه‌سازی عضوی را به این معنا که بتوان عضوی مانند کلیه یا قلب را شبیه‌سازی کرد، از امکان یا عدم امکان آن بگذریم، مجاز می‌شمارد، حال آنکه در اینجا نیز نوعی دستکاری و دخالت در سلول‌های انسانی صورت گرفته است.

چهار. نقض سنت زوجیت: طبق این دلیل، نظام زوجیت در همه ساحات عالم ماده، از جمادات گرفته تا نباتات، حیوانات و انسان‌ها، وجود دارد، حال آنکه شبیه‌سازی انسانی این قانون عام هستی را نقض می‌کند، پس حرام است. درباره این دلیل چند نکته گفتنی است.

نخست آنکه اگر این قانون عام است و همه ساحات عالم ماده را در بر گرفته است، بشر اگر هم بخواهد نمی‌تواند آن را نقض کند. تنها نقض قوانین تشریحی ممکن است، نه قوانین تکوینی. اگر واقعاً این سخن درست باشد که نظام عالم بر زوجیت است، به هیچ روی امکان نقض آن وجود ندارد. اگر هم مقصود قانون تشریحی باشد، که در آن صورت باید آن را جزو ادله فقهی به شمار آورد و از آن منظر نیز جای نقد جدی دارد که در جای خود به آن پرداخته شده است. اما نحوه استناد و استدلال و شواهدی که مخالفان شبیه‌سازی انسانی مطرح می‌کنند گویای آن است که مقصود همان قانون تکوینی است، لذا از نوترون و پروتون در اتم و جریان مثبت و منفی در برق سخن می‌رود. بنابراین، نقض قانون عام هستی ممکن نیست.

دوم آنکه اگر واقعاً بشر بتواند قانونی عام در هستی را نقض کند، معنا و لازمه کلامی خطیری خواهد داشت؛ یعنی بشر قدرتی همسنگ قدرت خدا را دارد و می‌تواند قانونی را که بر اساس آن طبیعت را آفریده است، نقض کند و این نتیجه لوازمی دارد که بعید است، مخالفان شبیه‌سازی انسانی به آن ملتزم شوند.

سوم آنکه اگر این قانون عام باشد، با نحوه آفرینش حضرت آدم و تولد حضرت عیسی چه باید کرد؟ اولی نه پدر داشت و نه مادر، و دومی تنها مادر داشت. این دو مورد به خوبی نقضی بر ادعای فوق به شمار می‌روند

و نشان می‌دهند که در عالم ماده نیز این قانون استثنایی دارد. این اشکال به نظر می‌رسد که پاشنه آشیل از مخالفان شبیه‌سازی انسانی باشد و نگارنده تاکنون جایی را نیافته است که آنان به آن پاسخی درخور دهند. گفتنی است که مسئله نحوه ولادت حضرت عیسی، در متون مربوطه گاه به عنوان مؤیدی بر قدمت شبیه‌سازی انسانی به شمار می‌رود و حتی کسانی مانند قرضاوی خواسته‌اند به کمک شبیه‌سازی انسانی، نحوه ولادت حضرت عیسی یا معاد جسمانی را اثبات کنند و از سویی این نکته را مطرح کرده‌اند که برخی به خیال خام خود شبیه‌سازی انسانی را نقضی بر نحوه ولادت حضرت عیسی پنداشته‌اند.^۱

چهارم آنکه ادعای سنت عام و کلی زوجیت، با نوعی از تولید مثل که به بکرزایی (parthenogenesis) معروف است ناسازگاری ندارد. بکرزایی، عبارت است از تولید مثل و رشد یک ارگانیسم از طریق گامت یا سلول جنسی بارورنشده. این شیوه در میان حشرات و گونه‌هایی از خزندگان و برخی پرندگان معمول است و گاه به ندرت در میان پستانداران رخ می‌دهد. تاکنون مکانیزم و دلیل این شیوه روشن نشده است. در میان برخی گیاهان نیز این شیوه گاه رخ می‌دهد که پارثنوکاری (parthenocarpy) نامیده می‌شود. بنابراین، سخن از عمومیت قاعده فوق قابل مناقشه است.

پنجم آنکه درست است که در آیات مختلف بر زوجیت تأکید شده است، اما آیا در آیه‌ای بر انحصار در این سنت اشاره‌ای رفته است؟ و آیا گفته که هیچ سنت دیگری وجود ندارد؟ (غره، ۱۹۹۹: ۹۵) از این‌رو از وجود تأکیدات فراوان بر مسئله زوجیت نمی‌توان منطقاً نتیجه گرفت که این تنها سنت حاکم بر هستی. کسانی که در این مورد به آیات استناد می‌کنند باید آیه‌ای نقل کنند که گویای انحصار قاعده زوجیت باشد، نه صرف وجود آن. چه بسا این آیات گویای شیوه مسلط باشند، اما نافی شیوه‌های دیگر نباشند.

ششم آنکه در عملیات شبیه‌سازی انسانی از یک سلول پوستی موجود استفاده می‌شود و هر سلولی، خود محصول ترکیب گامت‌های نر و ماده است، پس در اینجا نیز سنت زوجیت خود را نشان می‌دهد و حکومت دارد. این مسئله درباره تخمک به کار گرفته شده در شبیه‌سازی نیز صادق است؛ هر تخمک از زنی است و خود آن زن محصول ترکیب گامت‌های نر و ماده است. بدین ترتیب، باز در اینجا زوجیت وجود دارد، گیریم با یک واسطه. از این‌رو نمی‌توان این شیوه را ناقض سنت زوجیت دانست.

هفتم آنکه در شبیه‌سازی انسانی نیز باز شاهد سنت زوجیت هستیم. در اینجا نیازمند ترکیب یک هسته سلول و یک تخمک هستیم. در شبیه‌سازی نمی‌توان تنها به کمک هسته یا تخمک دست به این کار زد، پس سنت زوجیت همچنان وجود دارد. با این تفاوت که در تولید مثل

^۱ برای آشنایی با این نوع نگرش و مسائل پدید آمده از آن، نک: *الاستنساخ بدعه العصر*، ص ۲۶-۲۲ و ۶۳. مدخل parthenogenesis در دایره المعارف نرم افزاری انکارتا.

عادی، اسپرم و تخمک وجود دارد، اما در اینجا هسته سلول و تخمک. این زنجیره استدلالی را هنوز می‌توان ادامه داد، اما همین مقدار برای نشان دادن ناکارآمدی استدلال به قانون زوجیت کافی است.

پنج. نقض سنت تنوع: این دلیل نیز به نظر نمی‌رسد که

بتواند تاب نقد را بیاورد. از این‌رو در نقض این دلیل چند نکته گفتنی است:

نخست آنکه اگر این سنت، سنتی حاکم بر نظام طبیعت باشد، امکان نقض آن وجود ندارد. توضیح این مطلب در بالا گذشت.

دوم آنکه در برابر این سنت، ما سنت تولید مثل از طریق پارثنوجنیز یا بکرزایی را داریم که همان ساختار ژنتیکی نسل قبل را به نسل بعدی منتقل می‌کند و این با سنت تنوع ناساگار است.

سوم آنکه این ادعا با تولد همشکمان یکسان، سازگاری ندارد. همشکمان یکسان

(Identical twins) عبارتند از: دوقلویی که بر اثر تقسیم یک زایگوت به وجود می‌آیند. دوقلوها دو گونه هستند.

معمولاً در هر باروری تنها یک تخمک بارور شده و یک جنین شکل می‌گیرد. لیکن گاه همزمان دو تخمک از تخمدان

رها می‌شود و با دو گامت نر بارور می‌شود. در این حال دو جنین مستقل شکل می‌گیرند که شباهت آنان، شباهتی

معمولی و در حد برادران و خواهران غیر دوقلو خواهد بود. به این نوع دوقلوها، دوقلوهایی دو تخمکی (dizygotic

twins (DZ)) گفته می‌شود. اما گاه یک تخمک رها می‌شود و پس از بارور شدن، تقسیم و به دو زایگوت مستقل تبدیل

شده، دو جنین مستقل را به وجود می‌آورد. به این دو قلوها، دوقلوهایی یک تخمکی (monozygotic (MZ) twins) یا همشکمان

یکسان گفته می‌شود. در این حالت هر دو جنین دارای ساختار وراثتی یکسان و کاملاً همانند هستند. از میان

هر ۲۵۰ باروری، یک مورد، یک تخمکی یا مونوزایگوتیک است. (اتکنیسون [و دیگران]، ۱۳۷۸: ۱۲۹) شباهت این

دو حتی بیشتر از شباهت میان موجودات شبیه‌سازی شده است؛ زیرا در شبیه‌سازی حداکثر مطابقت میان اصل و

شبهه تا حد ۹۷٪ است و جنین شبیه‌سازی شده بخشی از ساختار ژنتیکی خود را از طریق ژن‌های موجود در

پلاسمای تخمک به ارث می‌برد، اما این مسئله در مورد دوقلوهایی یک‌تخمکی وجود ندارد و مشابهت فیزیکی و

ژنتیکی آنان تقریباً ۱۰۰٪ است. بنابراین اگر ادعا کنیم که سنت تنوع حاکم بر هستی است، می‌توان متقابلاً

گفت که خود خداوند ناقض این سنت است. بدین ترتیب، وجود دوقلوهایی یکسان، نقضی بر کلیت ادعای فوق

می‌باشد.

چهارم آنکه اساساً درباره شبیه‌سازی انسانی و شخص شبیه‌سازی شده تصویر نادرستی در میان مخالفان این کار

وجود دارد که طبق آن گویی شخص شبیه‌سازی شده، «نسخه بدل»، «کپی» برابر اصل و «برگردان» شخص اصلی و

تکرار کامل او است. ادبیات تخیلی و به ویژه رمان «دنیای قشنگ نو» نوشته آلدوس هاکسلی در ایجاد این

پندار نقشی اساسی داشته است. هاکسلی در این کتاب جامعه‌ای را تصویر می‌کند که در آن انسان‌ها از طریق تولید مثل انبوه، ایجاد می‌شوند و گاه از یک تخمک ده‌ها تن ساخته می‌شود: «مردها و زن‌های استاندارد، در دسته‌های متحدالشکل. محصول یک تخم بوخانوفسکیزه، تعداد کارکنان یک کارخانه کوچک را تأمین می‌کند. نود و شش همزاد همشکل چرخ نود و شش ماشین یک‌جور را می‌گردانند.» (هالسکی، ۱۳۵۲: ۱۱)

لیکن این تصور خطاست و گوسفندان شبیه‌سازی شده با اصل خود اختلاف داشته‌اند. کافی است نقش وراثتی ژن‌های موجود در تخمک، محیط رحمی و تأثیر عوامل محیطی را در نظر بگیریم تا متوجه شویم که در اینجا نیز تنوع وجود دارد و با این کار نقض نشده است.

افزون بر این اگر در آیات قرآن از تنوع و اختلاف رنگ گیاهان و میوه‌ها سخن رفته است، در جای دیگری از مشابهت موجود میان زیتون و انار نیز سخن به میان آمده است (سوره انعام، آیه ۹۹ و ۱۴۱) همین مقدار برای نشان دادن وجود یک سنت دیگر به نام تشابه در طبیعت کفایت می‌کند. بدین ترتیب، از این دلیل نیز نمی‌توان بر ضد شبیه‌سازی انسانی طرفی بست.

شش. بازی با مخلوقات و دستکاری ژن‌ها: طبق این دلیل، شبیه‌سازی انسانی مستلزم بازی با مخلوقات و دستکاری ژن‌ها و این کار نادرست است. حال به بررسی و تحلیل مفاد این دلیل پردازیم. واقع آن است که اقامه‌کنندگان این دلیل نه تصویر روشنی از دلیل خود ارائه می‌دهند و نه مبنای دقیقی برای نقد خود وضع می‌کنند. به همین دلیل با استفاده از واژه‌های باردار و عاطفی ادعایی را مطرح می‌کنند، که با مبانی خودشان در موارد دیگر ناسازگاری دارد. در این مورد چند نکته را باید روشن ساخت:

نخست آنکه بارها در ادبیات و متون مختلف از تعبیراتی چون «العیب بالخلق»، «التلاعب بالجينات»، «اللعب بالمورثات» و مانند آن آمده است. دقیقاً مقصود از این تعبیرات، چیست؟ اگر مقصود این است که متخصصان ژنتیک، «بازی» می‌کنند؛ یعنی برای سرگرمی دست به این کارها می‌زنند، که ادعای درستی نیست. همان طور که خود مدعیان بر این مسئله تأکید دارند، هزینه پروژه شبیه‌سازی دالی از آغاز تا فرجام ۷۵۰ هزار دلار تمام شد و بخش عمده، یا همه این هزینه را نه خود یان ویلموت، سرپرست پروژه دالی، بلکه مؤسسه روزلین یا شرکت PPL Therapeutic حامی آن پرداخت کردند. معقول نیست که سازمان و شرکتی به دانشمندان پول و امکانات دهد تا آنان «بازی» کنند. بنابراین بی‌گمان در پشت این کارهایی که بر آنها نام «بازی» گذاشته می‌شود، هدفی وجود دارد. این مسئله هنگامی جدی‌تر می‌شود که در نظر بگیریم امروزه یکی از سرمایه‌گذاری‌های سودآور در جهان همین عرصه ژنتیک است، برای مثال، شرکت «جنتک» در ۱۴ اکتبر ۱۹۸۰ «یک میلیون سهام به ارزش هر یک ۳۵ دلار به بورس عرضه کرد و تنها در بیست دقیقه اول داد و ستد بود که ارزش هر سهم به ۸۹ دلار رسید.» (ریفکن، ۱۳۸۲: ۹۶) به گفته

دکتر احمد رجایی جنیدی در یکی از جلسات مجمع فقه اسلامی، به مجرد اعلام خبر شبیه‌سازی دالی، بهای اوراق بورس شرکت PPL حامی مالی اصلی مؤسسه روزلین و سرمایه‌گذار پروژه دالی، طی دو سه روز ۱۵ تا ۳۰٪ افزایش یافت. (مجله مجمع الفقه: ۳۲۷) پس اساساً تعبیر به لعب و تلاعب خطاست. استفاده از این تعبیرات که بار عاطفی منفی دارد، تنها به غبارآلود کردن فضای بحث علمی می‌انجامد و نه با منطق علمی سازگار است و نه با قواعد اخلاق. قاعده صحت (principle of charity) که نه تنها مقبول فقهای اهل سنت، بلکه نقطه عزیمت داوری عقلایی عالم است، به ما حکم می‌کند تا اگر شاهد عملی بودیم، آن را معقول و منطقی تلقی کنیم، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. (Baggini and Fosl, ۲۰۰۳: ۱۱۲) اما در اینجا بر خلاف آن عمل شده است. کمتر متنی می‌توان یافت که در آن یکی از این تعبیرات به کار نرفته باشد. این تعبیر حتی به متون رسمی و بیانی‌ها راه یافته است. درحالی که لازمه بحث علمی و فقهی یا حقوقی، و هر عرصه دیگری، استفاده از واژگان دقیق و پرهیز از تعبیر مبهم، جهتدار و منفی است، چرا باید این همه بر تعبیر «عبث»، «لعب» و «تلاعب» تأکید شود. فقهای که آموخته‌اند تا از واژگان خاص فقهی و اصولی استفاده کنند، به خوبی می‌دانند که با این تعبیر نمی‌توان چیزی را حلال یا حرام کرد و اساساً این تعبیر در حوزه فقه و اصول کارایی ندارد و تنها به درد خطابه می‌خورد، از اینرو باید یکسره از این‌گونه ادبیات دست بکشند و بکوشند تا از قالب‌های شناخته شده و اصطلاحات خاص این حوزه بهره بگیرند. ممکن است ادعا شود که این کارها از نظر گوینده و نویسندگان این مباحث عبث و لعب به شمار می‌رود. این سخن نیز مقبول نیست. هنگام بررسی و تحلیل یک مسئله باید از واژگان مرسوم و شناخته همان حوزه بهره جست و از جعل اصطلاح یا استفاده از تعبیر کژتاب و دارای بار ارزشگذارانه به خصوص از نوع منفی خودداری کرد.

دوم آنکه اساساً دانش ژنتیک چیزی جز همین به اصطلاح بازی با ژن‌ها نیست. اصلاح نباتات یا حیوانات و یا افزودن پروتئین خاصی به شیر برخی از حیوانات، برآیند همین به اصطلاح بازی‌هاست. حتی ایده ایجاد دالی ریشه در همین بازی‌ها داشت. ویلموت در پی آن بود که از طریق مهندسی ژنتیک، در شیر رزی - مادر دالی - پروتئینی به وجود آورد که برای انسان مفید باشد. این پروتئین که آلفا لاکتالبیومین، نام دارد برای نمو نوزادان کم رشد بسیار لازم است. این کار با وارد ساختن ژن سازنده این پروتئین در ژن رزی انجام شد. آنگاه

۱. برای مثال، نک: جدل العلم و الدین، ص ۱۲۴ و ۱۲۸؛ الاستنساخ فی میزان الاسلام، ص ۱۳۶، ۱۵۲، ۱۷۱، ۱۷۴ و ۱۸۶؛ الاستنساخ بدعه العصر، ص ۱۱۵؛ الاستنساخ البشري هل هو ضد المشيئة الالهيه، ص ۶۱؛ مجله مجمع الفقه الاسلامی، ۳۷۴؛ الاستنساخ البشري و تداعياته؛ رساله من رابطه العالم الاسلامی؛ الاستنساخ الجيني، ص ۳۹.

۲. برای مثال در واژه نامه روانشناسی، ویراسته آندرو ام. کولن، در مدخل identical twins این تعبیر را به دلیل القای مفهوم یگانگی کامل میان دوقلوها غیر فنی و گمراه کننده می‌داند، اصطلاح دقیق آن را monozygotic معرفی می‌کند:

ویلموت فکر کرد که اگر این گوسفند به طریق طبیعی به زاد ولد بپردازد، ممکن است این قابلیت به نسل آینده منتقل نشود و جزو ژن‌های مکتوم قرار گیرد و زحمات او به هدر رود. از این‌رو کوشید راهی بیابد تا همه ویژگی‌های ژنتیکی این گوسفند به نسل آینده منتقل گردد. این کار با گرفتن سلولی از پستان رزی و گذاشتن آن در تخمک خالی شده می‌شدی دیگر انجام شد و او راهی برای حل مسئله خود یافت. (مصباح: ۲۸) بنابراین، اگر این سنخ کارها عبث و بازی باشد، کل این دانش عبث خواهد بود.

سوم آنکه برخی از مخالفان شبیه‌سازی در اینجا از واژگان و زبانی دوگانه استفاده می‌کنند. برای مثال قرضای در یک متن و در یک صفحه برای یک کار از دو تعبیر باردار متفاوت بهره می‌برد. وی شبیه‌سازی گیاهی و حیوانی را مجاز می‌شمارد، چرا که موجب به‌سازی نسل می‌شود و می‌گوید: «لانه تحسین لسلاله»، اما در انتهای همان صفحه، شبیه‌سازی انسانی را «العبث بفطرة الله التي فطر الناس عليها» (القرضاوی، ۲۰۰۲) به شمار می‌آورد. در اینجا کاری به اصل حکم جواز یا حرمت نداریم. مسئله آن است که تکنولوژی شبیه‌سازی در هر دو مورد یکی است، حال آنکه در یکی تعبیر به‌سازی یا «تحسین» به کار رفته است و در دیگری تعبیر «عبث». اگر هدف عبث است، در مورد گیاهان و حیوانات نیز چنین است. اگر هم مقصود تحسین است در همه موارد یکسان است. اینجاست که این نحوه سلوک در تقریر و نظردهی از نظر اخلاقی جای چون و چرای بسیار دارد و نمی‌توان آن را صرفاً یک تفنن در تعبیر یا بی‌دقتی در به کار گرفتن واژگان خاص دانست.

چهارم آنکه دقیقاً مقصود از دستکاری در ژن‌ها و عبث در مخلوقات چیست؟ دو احتمال می‌توان داد: یکی آنکه بگوییم، مقصود نحوه اخذ و انتقال هسته و گذاشتن آن در تخمک است. دوم آنکه ادعا شود مقصود به هم زدن ترکیب کروموزومی هسته است. اگر معنای اول مراد باشد و صرف تخلیه تخمک از هسته خودش و افزودن هسته سلول پوستی، دستکاری قلمداد شود، این کار به شکل دیگری نیز در لقاح برون‌رحمی وجود دارد. یعنی آنکه تخمک از جای اصلی آن بیرون کشیده می‌شود، گامت نر نیز چنین می‌شود و آن گاه در شرایط غیر طبیعی یعنی آزمایشگاهی ترکیب می‌شوند. پس اگر دستکاری به این معنا باشد، در هر دو مورد وجود دارد و هر دو مورد باید تحریم شود. اگر هم مقصود از دستکاری، به هم زدن ترکیب کروموزومی و احیاناً افزایش یا کاهش تعداد کروموزوم‌ها باشد، در آن صورت باید نه تنها شبیه‌سازی انسانی، بلکه هر نوع دستکاری به این معنا و تغییر خزانه ژنی حرام باشد. اما موضع کلی مخالفان شبیه‌سازی انسانی در میان اهل سنت به گونه‌ای است که برخی از این دستکاری‌ها را مجاز می‌شمارند و برخی را غیر مجاز و به این ترتیب دچار دوگانگی در موضع‌گیری هستند. برای مثال قرضای، شبیه‌سازی بخش‌هایی از بدن مانند قلب یا کلیه یا کبد را جهت درمان نیازمندان به این اعضا مجاز می‌شمارد. (القرضاوی، ۲۰۰۳) حال مستند جواز هر

چه باشد، این کار مستلزم دستکاری ژن‌ها، یعنی به هم زدن ترکیب کروموزومی است. پنجم آنکه شبیه‌سازی انسانی منطقی‌اً مستلزم دستکاری ژنتیکی و تغییر خزانه ژنی و ترکیب کروموزومی نیست. یعنی چنین نیست که انجام شبیه‌سازی انسانی نیازمند به هم زدن ساختار وراثتی انسان باشد. فرض کنیم که زوج ناباروری خواستار تولید مثل از طریق شبیه‌سازی هستند. در این حال هسته سلول پوستی شوهر گرفته و بی‌آنکه دستکاری شود، در تخمک زوجه گذاشته و برای تقسیم سلولی فعال می‌شود. در این فرض نیازمند دستکاری نیستیم. از این‌رو اگر هم دستکاری ژنتیکی حرام باشد، از این دلیل نمی‌توان حرمت هر نوع شبیه‌سازی را استنتاج نمود. بلکه نهایتاً می‌توان گفت که آن شبیه‌سازی انسانی که همراه با دستکاری ساختار وراثتی و تغییر ماهیت وی باشد، حرام است. خلاصه سخن آنکه این دلیل نیز نمی‌تواند خواسته مخالفان شبیه‌سازی انسانی را تأمین کند و اگر حجیت آن اثبات گردد، از سویی به زیان هر نوع دستکاری ژنتیکی حتی در عرصه گیاهان خواهد بود و از سوی دیگر شبیه‌سازی انسانی را که همراه با تغییر ساختار وراثتی نباشد، در بر نمی‌گیرد.

جمع‌بندی

بررسی و تحلیل دقیق دلایل شش‌گانه فوق نشان می‌دهد که به کمک آنها نمی‌توان شبیه‌سازی انسانی را تحریم کرد و این عمل هیچ تعارضی با عقاید و باورهای بنیادین دینی و مبانی کلامی ندارد. از این‌رو بهتر است اگر هم درصدد نقد و رد شبیه‌سازی انسانی هستیم، دست از ادله کلامی بشوییم و پای آنها را به میان نکشیم؛ زیرا اگر این ادله درست‌تقریر شوند، اساساً بر ضد شبیه‌سازی انسانی نخواهند بود و اگر هم بدتقریر شوند، به معرفی‌خدایی ناتوان و شکننده می‌انجامد، که دست و پایش بسته است و هر دست‌آوردی تازه موقعیت او را به خطر می‌اندازد، حال آنکه «یداه مبسوطان». در نتیجه، اگر هم کسانی در صدد نفی شبیه‌سازی انسانی هستند به جای پیش‌کشیدن دلایل کلامی بهتر است که از دلایل فقهی یا اخلاقی سود مجویند، هرچند آن دلایل نیز تا اثبات خواسته آنان فاصله بسیاری دارد.

منابع و مأخذ

۱. الشوکانی، الحافظ محمد علی بن محمد، ۱۹۹۸، ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول، قاهره، تحقیق دکتر شعبان محمد اسماعیل، دار السلام.
۲. خطاب، عبدالعزیز، الاستنساخ البشري هل هو ضد المشیئه الالهیه، قاهره، الدار الذهبیه.
۳. القرضاوی، یوسف، ۲۰۰۳/۱/۶، الاستنساخ البشري و تداعیاته، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی قرضاوی با عنوان: qaradawi.net.
۴. الاستنساخ الجینی: اخلاق علم الاحیاء، بیروت، المرکز الاستشاری للدراسات و التوثیق بیروت.

٦. مختار الخادمي، نورالدين، ١٤٢٥، الاستنساخ بدعه العصر في ضوء الاصول و القواعد و المقاصد الشرعية (بجث محكم من قبل مركز البحوث و الدراسات الاسلاميه)، بيروت، دار وحي القلم.
٧. مصباح، عبد الهادي، الاستنساخ بين العلم و الدين، قاهره، الدار المصريه اللبنانيه.
٨. الدمرداش، صبري، ١٩٩٧، الاستنساخ قبله العصر، الرياض، مكتبه العبيكان.
٩. فضل الله حسين [و آخرون] ١٩٩٧، الاستنساخ: جدل العلم و الدين و الاخلاق، اشراف هاني رزق، اعداد و تحرير عبد الواحد علواني، دمشق، دار الفكر. اجاث اجتهاديه في الفقه الطي، بيروت، مؤسسه الرساله.
١٠. الاستنساخ البشري مرفوض دينياً و اخلاقياً و ضد الفطرة الانسانيه، muslimworldleage.org، شماره ١٧٧٧، در هفته نامه العالم الاسلامي.
١١. غنيم، كارم السيد، ١٩٩٨، الاستنساخ و الانجاب بين تجريب العلماء و تشريع السماء، قاهره، دار الفكر العربي.
١٢. القرضاوي، المفتي شيخ يوسف عبد الله، ٢٠٠٢/١٢/٢٨، الاستنساخ بين العلم و الدين: ما حكم الاستنساخ في الاسلام، قابل دسترسي در پايفاه اسلام اونلاين نت، به آدرس: islamonline.net.
١٣. مصباح، عبد الهادي، ٢٠٠٢، الاستنساخ بين العلم و الدين، قاهره، الدار المصريه اللبنانيه.
١٤. عودة الله، رياض احمد، ٢٠٠٣، الاستنساخ في ميزان الاسلام، عمان، دار اسامه.
١٥. الدمرداش، صبري، الاستنساخ قبله العصر، الاستنساخ قبله العصر، الرياض، مكتبه العبيكان.
١٦. نادر، جمال، ٢٠٠١، الاستنساخ: حقايق علميه و فتاوي شرعيه، عمان، دار الاسراء.
١٧. استنساخ، ١٣٧٦/٢/٢٣، رايذني فرهنگي جمهوري اسلامي ايران در بيروت.
١٨. ابو زهره، محمد، بيتا، اصول الفقه، قاهره، دار الفكر العربي.
١٩. كاشف الغطاء، آيت الله محمد حسين، ١٤٢٢، تحرير المجله، قم، تحقيق محمد ساعدي، الجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلاميه.
٢٠. غره، محمد، ١٩٩٩، حقيقه الاستنساخ و معجزه القرآن، دمشق.
٢١. جمعه بكرو، كمال الدين، ٢٠٠١، حكم الانتفاع بالاعضاء البشريه و الحيوانيه: دراسه مقارنه في الفقه الاسلامي، بيروت، دار الخير.
٢٢. هاكسلي، آلدوس، ١٣٥٢، دنياي قشنگ نو، تهران، ترجمه سعيد حميديان، پيام.
٢٣. العوضي، عبدالرحمن، عبدالله، اشراف و تقديم، ١٩٩٩، رؤيه اسلاميه لبعض المشكلات الطبيه المعاصره: ثبت كامل لاعمال ندوة رؤيه اسلاميه لبعض المشكلات الطبيه المعاصره المنعده في الدار البيضاء به تاريخ ٨-١١ صفر ١٤١٨، كويت، الجزء الثاني: الاستنساخ، المنظمه الاسلاميه للعلوم الطبيه.
٢٤. عبدالله بن عبدالحسن التركي، ٢٠٠٣/٢/٥، رساله من رابطه العالم الاسلامي في مكة المكرمه بشأن عمليات الاستنساخ البشري، موجود در پايفاه اسلام اون لاين به آدرس: islamonline.net.
٢٥. اتكينسون [و ديگران]، ريتا ال، ١٣٧٨، زمينه روانشناسي هيلگارد، تهران، ترجمه محمد تقى براهني [و ديگران]، رشد.
٢٦. محمد رأفت عثمان، ٢٠٠٠/٧/٢٤، فتاوي فقيهيه حول المتسجدات العلميه، در اسلام اونلاين نت: islamonline.net.
٢٧. تنسيق عبد الستار ابو غده، ١٤١٨، قرارات و توصيات مجمع الفقه الاسلامي: من الدورة الثانيه حتي العاشرة، ١٤١٨، دمشق، دار القلم.

٢٨. ريفكين، جرمي، ١٣٨٢، قرن بيوتكنولوجي، تهران، ترجمه حسين داوري، كتاب صبح.
٢٩. حميش، عبد الحق، قضايا فقهيه معاصرة، الشارقة، جامعة الشارقة.
٣٠. حلي، علامه، ١٤١٦، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، قم، تصحيح علامه حسن حسن زاده آملی، مؤسسه النشر الاسلامي.
٣١. الجمل، عبدالباسط، الله يتجلي في عصر الهندسه الوراثيه، الظاهر [قاهره؟]، مكتبه الثقافه الدينيه.
٣٢. مجله مجمع الفقه الاسلامي، ١٩٩٧، الدورة العاشرة، الجزء الثالث.
٣٣. اياد احمد ابراهيم، ٢٠٠٣، الهندسة الوراثيه بين معطيات العلم و ضوابط الشرع، عمان، دار الفتح للدراسات و النشر. Baggini, Julian and Peter S. Fosl, ٢٠٠٣, the philosopher's toolkit, Blackwell publishing, London.
- Humber, James. M and Robert F. Almeder, ١٩٩٨, Totowa, Humana press.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی